

فصلنامه علمی رهپاوهی‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شاپا: 1735-739X

دوره ۱۱، شماره ۲ (پیاپی ۶۰)، زمستان ۹۸، تاریخ انتشار: دی ۹۸

الگوی حکمرانی خوب و توسعه‌ی اقتصادی در ایران و ترکیه (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۶

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۸/۸

روح‌الله صفریان*

امیر مسعود شهرام‌نیا**

سیدجواد امام‌جمعه‌زاده***

حسین مسعودنیا****

چکیده

در عصر جدید و با تحولات فکری و فنی، راهبری امور اقتصادی نیز مورد تغییر و تحول قرار گرفته است و بر نقش همزمان دولت و جامعه در توسعه‌ی اقتصادی تأکید می‌شود. بدین‌سان، از سوی نهادهای بین‌المللی الگوی حکمرانی خوب مطرح می‌شود که ساختار، شاخص‌ها و ترتیبات نهادی و اجتماعی این الگو بر توسعه‌ی اقتصادی تأثیرگذار است. در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۷ که مصادف با دوره‌ی حزب عدالت و توسعه در ترکیه و ریاست جمهوری احمدی‌نژاد و روحانی در ایران است، طبق آمارهای نهادهای بین‌المللی، شاخصه‌های اقتصادی در دو کشور تفاوت دارند. با توجه به این پیش‌زمینه به نظر می‌رسد مقوله‌ی حکمرانی در دو کشور بر این موضوع تأثیرگذار است. بنابراین، سؤال اصلی این مقاله این است که نقش الگوی حکمرانی خوب در توسعه‌ی اقتصادی ایران و ترکیه در دوره‌ی مورد اشاره چگونه است؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که وضعیت شاخصه‌ای حکمرانی خوب موجب بهبود و یا سقوط شاخصه‌ای اقتصادی در دو کشور و همچنین در قیاس با یکدیگر در دوره‌ای معین می‌شود. بنابراین، این مقاله با روشی تحلیلی-توصیفی و رویکردی مقایسه‌ای و با تکیه بر آمارهای مراجع بین‌المللی، به نقش حکمرانی خوب در توسعه‌ی اقتصادی ایران و ترکیه می‌پردازد.

واژگان کلیدی: الگوی حکمرانی خوب، توسعه‌ی اقتصادی، دولت، جامعه، ایران، ترکیه

صفحات: ۸۶-۱۱۰
*دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

rooholla.safar@yahoo.com

**دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده‌ی مسئول).

m.shahramnia@ase.ui.ac.ir

***دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

javad@ase.ui.ac.ir

****دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

Good Governance Pattern and Economic Development in Iran and Turkey(2006–2017)

Safarian, Rouhollah*

Shahramnia, Amirmasoud**

Imamjomezadeh, Seyed Javad***

Masoudnia, Hosein****

Abstract

In the modern era of intellectual and technological change, the direction of economic affairs has also changed and the simultaneous role of government and society in economic development is emphasized. Thus, international institutions have put forward a good governance model whose structure, indicators, and institutional and social determinants of this model influence economic development. In the years 2017–2016, Akp Party in turkey coincides with the Ahmadinejad and Rouhani presidency in Iran. According to statistics from international institutions, economic indicators in the two countries differ. Against this background, it seems that the issue of governance in the two countries is influential on this issue. Therefore, the main question of this paper is what is the role of good governance model in economic development of Iran and Turkey in the period under review? The findings of this study show that the status of good governance indices improves or collapses the economic indices in both countries as well as relative to each other in a given period. Therefore, this paper deals with the role of good governance in the process of economic development of Iran and Turkey with an analytical–descriptive and comparative approach and statistics of international authorities.

Keyword: Good Governance Pattern, Economic Development, State, Iran, Turkey.

* PhD Student of Political Science at Isfahan University, Isfahan, Iran.

** Associate Professor of Political Science at Isfahan University, Isfahan, Iran.

*** Associate Professor of Political Science at Isfahan University, Isfahan, Iran.

**** Associate Professor of Political Science at Isfahan University, Isfahan, Iran.

مقدمه

پس از منازعات و دوگانگی مطرح شده در دوره‌های مختلف در مورد اولویت نقش اقتصادی دولت یا جامعه، موازنه‌سازی بین این دو دیدگاه مطرح می‌شود و چارچوب مدیریت توسعه‌ی اقتصادی در قالبی اجتماعی و با نقش هم‌ه‌ی نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرد، چنان‌که بر رویکردی تأکید می‌شود که هم دولت کارآمد و راهبر باشد و هم نهادهای فراگیر اجتماعی در ساختارش جای داده شده باشند (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۲: ۱۲۲). بر مبنای این همسانی دولت و جامعه و نقش هم‌زمان آن‌ها در راهبری توسعه‌ی اقتصادی، حکمرانی خوب مطرح می‌شود.

حکمرانی خوب در واقع با شراکت دولت، جامعه‌ی مدنی و بخش خصوصی شکل می‌گیرد و فرصت برابر برای مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها، شفافیت و پاسخ‌گویی را فراهم می‌کند. در این ساختار افقی، علاوه بر نقش فعالانه‌ی تمام نیروهای اجتماعی، دولت برای ایفای نقش مؤثر در توسعه، از نظر ساختاری و ماهوی توانمندی خاصی دارد. از این‌رو، حکمرانی خوب دارای سه بعد اصلی اقتصادی، سیاسی و اداری است. حکمرانی اقتصادی شامل فرآیند تصمیم‌گیری و نقش نیروهای گوناگون اجتماعی در فعالیت‌های اقتصادی، ابعاد حمایتی و نظارتی حاکمیت و نیز چگونگی ارتباط با دیگر اقتصادهاست (Guga, 2015: 8).

بر پایه‌ی حکمرانی خوب، مشروعیت دولت و ارتباط دوجانبه بین دولت و مردم، نقش غیرقابل‌انکاری در رشد اقتصادی دارد و در این میان توانایی راهبردی و کارکردی دولت و کیفیت آن در اولویت است (Akintunde, 2017: 17). به عبارتی، توسعه‌ی اقتصادی با تکیه بر سیستم قضایی عادلانه، نظام قانون‌گذاری تسهیل‌گر و دولت با ساختاری منطقی و پویا و ماهیتی کارا اتفاق می‌افتد (کفیلی، ۱۳۹۶: ۳). بر این اساس، در الگوی حکمرانی خوب با بروز استعدادها و توانایی‌های فردی، بخش خصوصی توانمندی شکل می‌گیرد و جامعه‌ی مدنی چارچوب ارتباطات اجتماعی و سیاسی را ساختارمند می‌کند. لذا با ارائه‌ی کارآمدی و بهینه‌ی خدمات عمومی، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ‌گو، ساختار بندی اجتماعی و شرایط لازم برای بروز خلاقیت و پیگیری منافع فردی، بستر توسعه اقتصادی ایجاد می‌شود (هوشمند، ۱۳۹۸: ۱۳۵).

ایران و ترکیه دو کشور بزرگ در منطقه‌ی خاورمیانه در برخی حوزه‌ها دارای اشتراکاتی بوده و بر مبنای چشم‌اندازهای تعریف شده در صدد دستیابی به توسعه‌ی یافته‌ترین کشور منطقه هستند. در طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۶ دو کشور از نظر شاخص‌های اقتصادی دارای وضعیت متفاوتی هستند، کاهش نرخ تورم و رشد اقتصادی در ترکیه سرعت پیدا می‌کند- هرچند پس از سال ۲۰۱۴ نوساناتی وجود دارد؛ این در حالی است در ایران نهادهای فراگیر محدود می‌شوند، دولت از نظر ساختاری با گسترش روبه‌رو می‌شود و کنش نیروهای اجتماعی به نسبت پایین است، رشد اقتصادی در دوره‌ی منفی و تورم افزایش پیدا می‌کند، اگرچه در دوره‌ی روحانی (دوره‌ی اول) این شاخص‌ها تا حدودی بهبود پیدا می‌کند. بنابراین، سؤال اصلی این مقاله این است که چه ارتباطی بین شاخصه‌ی حکمرانی خوب و توسعه‌ی اقتصادی در ایران و ترکیه در دوره‌ی مورد اشاره وجود دارد؟ فرضیه‌ی این مقاله بر این پایه استوار است که وضعیت شاخصه‌ی حکمرانی خوب موجب بهبود و یا سقوط

شاخصه‌ی اقتصادی در دو کشور و همچنین در قیاس با یکدیگر در دوره‌ی معین می‌شود. بنابراین هدف این مقاله این است که با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و آمارهای مراجع بین‌المللی و روش تحلیلی- توصیفی و با رویکردی مقایسه‌ای، ارتباط حکمرانی خوب و توسعه‌ی اقتصادی در ایران و ترکیه مورد بررسی قرار دهد

۱. پیشینه‌ی پژوهش

در قالب الگوی حکمرانی خوب، با توجه به ماهیت بینارشته‌ای بودن این اصطلاح در رشته‌های مختلف علوم انسانی، با رویکردهای متفاوت این رشته‌ها پژوهش‌هایی انجام شده است. البته پژوهش‌های مقایسه‌ای هم در مورد روند توسعه‌ی ایران و ترکیه در چارچوب الگوی نظری دولت توسعه‌گرا انجام شده است که می‌توان به پایان‌نامه‌ی دکتری دانشگاه تهران، تیموری (۱۳۹۳) «دولت توسعه‌گرا در ایران، ترکیه و برزیل»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، اکبری (۱۳۹۱) «نقش دولت در توسعه اقتصادی ترکیه» و یا پایان‌نامه‌ی دکتری دانشگاه تهران، حافظیان (۱۳۸۳) «نقش ساختار دولت و ماهیت نخبگان در توسعه‌یافتگی خاورمیانه (ایران، ترکیه و مصر)» اشاره کرد.

اما در چارچوب الگوی حکمرانی خوب می‌توان به این مقالات اشاره کرد: صحرایی و محمودی نیا (۱۳۹۷)، «الگوی حکمرانی خوب، چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دولت هاشمی رفسنجانی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)» که میزان انطباق عملکرد دولت آقای هاشمی رفسنجانی را با شاخصه‌های هشت‌گانه‌ی الگوی حکمرانی خوب در برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل و بانک جهانی بررسی کرده است. مهدی فدایی و فرید قلی پور (۱۳۹۶)، در «بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و اندازه‌ی دولت بر شاخص فساد در کشورهای گروه بریکس و ایران»، به تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و اندازه‌ی دولت بر شاخص فساد در گروه بریکس و ایران می‌پردازد.

صفریان و امام‌جمعه زاده (۱۳۹۶ و ۱۳۹۵) در مقاله‌های «الگوی حکمرانی خوب؛ سرمایه اجتماعی و توسعه همه‌جانبه» و نیز «الگوی حکمرانی خوب، جامعه‌ی همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه» به مقوله‌ی ارتباط الگوی حکمرانی خوب و سرمایه‌ی اجتماعی با توسعه‌ی همه‌جانبه پرداخته‌اند. بور (۱۳۹۷) در کتاب «حکمرانی (مقدمه‌ای بسیار کوتاه)» به ماهیت و نحوه‌ی اداره‌ی امور عمومی در عصر جدید می‌پردازد و اینکه مدیریت انحصاری دولت به پایان رسیده است و اداره‌ی امور عمومی به سمت نوعی مشارکت همکارگونه بین شبکه‌ها، مجامع و انجمن‌ها و یا بازار می‌رود. سلطانی نژاد (۱۳۹۶) در «فناوری اطلاعات و تحول در مفهوم حکمرانی خوب» به نقش فناوری اطلاعات به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تقویت‌کننده‌ی حکمرانی خوب می‌پردازد. از نظر غفاری (۱۳۹۷) در «دولت توسعه‌گرا؛ پیش‌نیاز تحقق حکمرانی خوب»، دولت توسعه‌گرا و ساختار آن پیش‌نیاز و مقدمه‌ای برای الگوی حکمرانی خوب است. جعفری و ذوالفقاری (۱۳۹۳) در «امنیت ملی و توسعه پایدار: پارادایم پساواشنگتنی و حکمروایی خوب»، ارتباطی میان سه مؤلفه‌ی حکمرانی خوب، امنیت ملی و توسعه‌ی پایدار برقرار می‌کند. کاظمی (۱۳۹۳) در «جهانی شدن و دولت‌های توسعه‌گرا» الگوی حکمرانی خوب را نسل سوم دولت‌های توسعه‌گرا می‌داند.

Akhtar Rahimi (۲۰۱۸) به بررسی ارتباط میان حکمرانی، فساد و رشد اقتصادی در کشورهای سارک می‌پردازد. Chimezie (۲۰۱۶) نقش مؤلفه‌های حکمرانی خوب در روند توسعه‌یافتگی را بررسی می‌کند. Ukwandu (۲۰۱۶) وضعیت حکمرانی را در توسعه‌نیافتگی کشورهای آفریقایی مهم می‌داند. Aktan and Ozler (۲۰۱۸) مؤلفه‌های اقتصادی حکمرانی

خوب را برمی شمردند. Grindle (۲۰۱۵) تورم انتظارات و خواسته‌ها از حکمرانی خوب را مورد توجه قرار می‌دهد. (Borzil (2009), Shmit (2008), Shrama (2007), و Abdol-La-tif (2003) فقط به ماهیت الگوی حکمرانی خوب و کارکردهای سیاسی و نقش آن در دمکراسی و توسعه‌ی انسانی پرداخته‌اند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این مقالات بیشتر جنبه‌ی بنیادی و پایه‌ای برای ارتباط حکمرانی خوب با دیگر مقولات اجتماعی دارند و کمتر به مقوله‌ی ارتباط حکمرانی با توسعه‌ی اقتصادی در قالب شاخصه‌های مختلف و آن هم در چارچوب مقایسه‌ای می‌پردازند و برخی از نیز تنها به یک شاخص از حکمرانی و توسعه توجه دارند. درحالی‌که مقاله‌ی پیش رو، در این موارد دارای رویکردی متفاوت است: ۱. مشخصاً پرداختن به ارتباط حکمرانی خوب و شاخص‌های مختلف و چندگانه‌ی توسعه‌ی اقتصادی؛ ۲. مطالعه‌ی موردی و مقایسه‌ای تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دو کشور در این محدوده‌ی زمانی؛ ۳. نشان دادن تفاوت‌های عینی و آماری شاخصه‌ی اقتصادی با توجه به حکمرانی خوب در مقاطع معین.

۲. چارچوب نظری

پس از تجارب گوناگون و پشت سر گذاشتن بحران‌های مختلف و تحولات فنی و فکری در چارچوب نظام اجتماعی عصر جدید و گسترش روند دمکراسی، ماهیت و نقش دولت هم دستخوش دگرگونی شد و موجب اصلاحات سازمانی، فرآیندی و کنش دولت در روند مدیریت توسعه گردید. از این‌رو، در دوره‌ی جدید هم همچنان دولت نقش اصلی در راهبری توسعه را بر عهده دارد، اما در ساخت و ماهیت، کارکردی انعطاف‌پذیر دارد (کازمی، ۱۳۹۳: ۲۱۱؛ Wong, 2008: 308). بر این پایه، نقش راهبردی و تنظیم‌کنندگی دولت در دنیای نوسانی امروز بسیار تعیین‌کننده است و توسعه را در برابر تلاطم‌ها و دگرگونی‌های جهانی در جهت مسیر از پیش تعیین‌شده هدایت می‌کند (موثقی و رضائیان، ۱۳۹۸: ۱۹). بدین ترتیب، الگوی حکمرانی خوب با کنش‌گری فعالانه‌ی نیروهای اجتماعی، تغییرات نگرشی، فرآیندی، ساختاری و بهینه‌سازی تصمیمات مطرح می‌شود (Akintunde, 2017: 8). بنابراین حکمرانی خوب دارای دو بخش است: بخش اول ساختار و شراکت نیروهای اجتماعی و بخش دوم، ماهیت دولت و یا نظام سیاسی است که در قسمت بعد بیشتر به آن پرداخته می‌شود.

۲-۱. الگوی حکمرانی خوب (ساختار و ماهیت آن)

حکمرانی خوب با سرشت چندگانه‌ی خود درحقیقت در جهت اجتماعی شدن بستر توسعه و برای حرکت به‌سوی یک توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار است. تعادل‌بخشی بین ارزش‌های متنوع و گرایش‌های متفاوت و از بین بردن جنبه‌های ناسازگار عرصه‌ی اجتماعی ماهیت اصلی این الگوست (Stevic, 2016: 52). در این الگو، ساختار اجتماعی مشکل از کارگزاران حکومتی، سازمان‌های غیردولتی، نهادهای پژوهشی و تحصیلی، کسب و کارهای بخش خصوصی و شرکت‌های چندملیتی، نهادهای غیردولتی و غیرانتفاعی، شهرداری و نیروهای مسلح است که قدرت بین این اجزا تقسیم می‌شود. بر این پایه، حکمرانی خوب علاوه بر تنظیمات نهادی، در موازنه‌سازی سیاسی و اجتماعی و ارتباط بین این دو بخش نقش ایفا می‌کند (Baland, 2010: 52).

در الگوی حکمرانی خوب امور عمومی در قالب قانون‌گرایی، شهروندمحوری، اجرای

قراردادها و توافق بین افراد، اندازه‌ی منطقی دولت و در کنار آن بهترین استفاده از منابع حکومت و اثربخشی قسمت‌های مختلف و در نهایت شفافیت اقدامات راهبری می‌شود (Chimezie, 2016: 175). بدین ترتیب، حکمرانی خوب یک مدیریت شایسته از منابع کشور و امور با روشی آزادانه، شفاف و پاسخگو به نیازهای مردمی با سازمان‌های دولتی پیچیده‌تر و چندسطحی شده و بازیگران گوناگون که از طریق شبکه‌های متنوع باهم در ارتباط هستند (Klijn, 2008: 520).

آکتن و اوژلر هم شاخص‌هایی مانند نمایندگی، مشارکت و بازرسی، جامعه‌ی مدنی کارآمد، تفوق قانون، مدیریت غیرمتمرکز، شفاف و واضح، استعداد مسئولیت‌پذیری، کیفیت و اخلاق، قوانین و محدودیت‌ها، روش‌های نمایندگی بدیل بر طبق رقابت و اقتصاد بازار و سرانجام سازگاری با انقلاب دیجیتال را متصف به حکمرانی خوب می‌داند (Aktan & Ozler, 2008: 165-187).

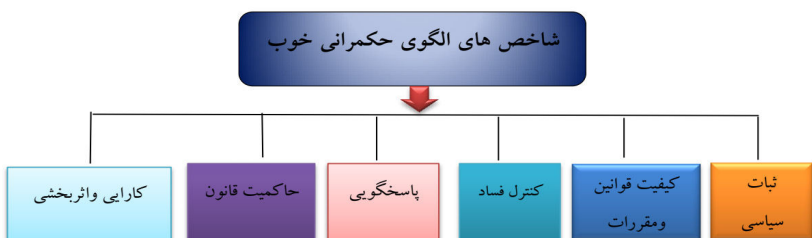
بر اساس همین ساختار و ماهیت، نهادهای بین‌المللی شاخصه‌های مختلفی را برای الگوی حکمرانی خوب برشمرده‌اند:

از نظر کمیسیون اجتماعی و اقتصادی پاسیفیک حکمرانی خوب کشوری را برای بهره‌وری صحیح از منابع طبیعی همراه با محیط‌زیست و اجتماعی پایدار کمک می‌کند. این الگو با ایجاد ثبات سیاسی و محیط مناسب اقتصادی، سرمایه‌گذاری و رشد تجارت را تشویق می‌کند. حکمرانی خوب پیشرفت و توسعه زیرساخت‌های مرتبط با استانداردهای پایه‌ای زندگی، بهداشت و درمان، خانه و مسکن، آب و برق را شامل می‌شود و در مجموع در بردارنده‌ی امنیت انسانی است. از نظر برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل حکمرانی خوب در بردارنده‌ی ۸ شاخص است: حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخ‌گویی، رضایت عمومی و برابری، کارایی و اثربخشی و مسئولیت (Baland, 2010: 14).

صندوق بین‌المللی پول بر ابعاد اقتصادی حکمرانی تأکید دارد؛ با این استدلال حکمرانی دارای دو عرصه است: پیشرفت مدیریت منابع عمومی و حمایت از توسعه و حفظ اقتصادی شفاف و پایدار و دیگری محیطی بانظم توأم با وجود بخش خصوصی قدرتمند (Ukwandu, 2016: 17).

بانک توسعه‌ی آفریقا به‌عنوان نخستین بانک منطقه‌ای، حکمرانی خوب را به‌عنوان سیاست رسمی حکومت‌ها معرفی می‌کند که بر شفافیت، قابلیت، پیش‌بینی و مشارکت استوار است. کمیسیون خدمات عمومی، شاخص‌های اساسی حکمرانی خوب را اخلاق حرفه‌ای، کارایی و اثربخشی، توسعه‌ی مشارکتی، بی‌طرفی و انصاف، شفافیت و پاسخ‌گویی و مدیریت منابع انسانی و توسعه می‌داند (Gray, 2007: 4).

اما یکی از کامل‌ترین نظریات از حکمرانی خوب توسط بانک جهانی ارائه شده است، این بانک شاخصه‌های این الگو را به ۶ دسته تقسیم می‌کند: پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، کیفیت قوانین و مقررات و کنترل فساد (Oman & Arndt).



11: 2008). در این مقاله، از شش شاخص بانک جهانی برای تحلیل حکمرانی خوب در دو کشور استفاده شده است.

شکل ۱. شاخص‌های حکمرانی خوب

۲-۲. توسعه اقتصادی

توسعه‌ی اقتصادی موضوعی پیچیده، چندوجهی و ساختاری است که در تعریف آن این ابعاد چندگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ چنان‌که جرالدمیر توسعه را فرآیند افزایش درآمد واقعی سرانه‌ی یک کشور طی یک دوره‌ی بلندمدت می‌داند (Meire, 1970: 7). تودارو و اسمیت هم بر همین شاخصه‌های کمی مانند افزایش تولید ناخالص داخلی تأکید دارند (Todaro and Smith, 2009)؛ اما برخی دیگر توسعه‌ی اقتصادی را فرآیندی می‌دانند که به کاهش فقر، نابرابری و بیکاری در اقتصاد منجر شود. با این حال اجماعی در میان صاحب‌نظران وجود دارد؛ توسعه‌ی اقتصادی نه تنها افزایش رشد طی مدت معین است، بلکه تغییر در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه به طوری که تداوم و استمرار رشد تضمین شود. توسعه‌ی اقتصادی رشدی همراه با تغییرات بنیادین در اقتصاد و افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی است (شیرخانی، ۱۳۹۰: ۲۲۵).

بدین ترتیب، توسعه‌ی اقتصادی ابعاد اجتماعی مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی، کاهش فقر و نابرابری، رفاه و عدالت و در مجموع توسعه انسانی را هم شامل می‌شود (Dang, 2015: 12). بنابراین، شاخصه‌های اصلی توسعه‌ی اقتصادی هم ماهیتی کیفی و هم کمی دارد که البته در این مقاله تا حدودی شاخص‌های کمی مانند شفافیت، میزان وابستگی به رانت، تولید ناخالص داخلی، درآمد مالیاتی، میزان سرمایه‌گذاری خارجی، نرخ بیکاری، دولت الکترونیک، فضای کسب‌وکار و تورم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲-۳. الگوی حکمرانی خوب و توسعه‌ی اقتصادی

در الگوی حکمرانی خوب دولت یک فضای مفید حقوقی و سیاسی، بخش خصوصی شغل و درآمد و جامعه‌ی مدنی تعاملات سیاسی و اجتماعی را تسهیل می‌کند، بنابراین تمام نیروهای اجتماعی در عرصه‌ی اقتصادی مشارکت دارند. بازیگران این ساختار کنش و نقش فعالی در عرصه‌ی بین‌المللی از طریق تعامل با دیگر دولت‌ها، نهادهای غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی دارد و عرصه را برای فعالیت اقتصادی گسترش می‌دهد (Ukwan-du, 2016: 24).

مؤلفه‌های حکمرانی خوب از پایه‌های اصلی برای کاهش هزینه‌های انتقال و بازار رقابتی و همچنین حرکت دادن سرمایه به بخش‌های مختلف اقتصادی با ارزش افزوده بالا و افزایش تولید است. از طرفی دیگر، موازنه‌سازی سیاسی از طریق توزیع قدرت و ثبات ائتلاف‌ها، محیط مناسبی برای رشد اقتصادی فراهم می‌کند (Hammache, 2017: 6). حکمرانی خوب نقش مؤثری در تدارک مفید و بهتر منابع هم سرمایه و هم کار دارد و در نهادینه کردن رشد و توسعه، مقابله با فساد در انواع مختلف آن با شفاف کردن فرآیندها، پویا شدن ساختارها و کارآمدی یک قوه قضاییه مستقل است (Akhtar, Rahimi, 2018: 17). بر این اساس، یکی از جنبه‌های اساسی و تبیین‌کننده‌ی ماهیت حکمرانی خوب شفافیت است که در عرصه‌ی اقتصادی هرگونه رانت و ویژه‌خواری از بین می‌برد و شرایط را برای رقابت سالم و بروز استعدادها فراهم می‌سازد و این خود می‌تواند به برقراری عدالت اجتماعی در جامعه کمک کند و زمینه را برای توزیع عادلانه‌ی امکانات و مواهب فراهم سازد. (Court and

Measerse, 2014: 14) در این فضا کسب‌وکارها هم گسترش می‌یابد، سرمایه‌گذاری و تولید داخلی هم رشد می‌کند و به‌نوعی رویه‌های قانونی در جهت شکوفایی اقتصادی هستند (Kaufmann, 2009: 363).

حکمرانی خوب از نظر شکلی با نظام اداری کارآمد و حاکمیت قانون، ارائه‌ی خدمات به جامعه با بهترین استفاده از منابع و سازمان‌دهی منطقی و پویا ساختارها مدیریت توسعه را انجام می‌دهد. با ترتیبات قانونی و نهادی قراردادها، توافقات و معاملات در عرصه‌ی اجتماعی در مسیر از پیش تعیین‌شده قرار می‌گیرد (Ukana, 2016: 175).

بر این اساس، الگوی حکمرانی خوب از طریق حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی به تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت منجر می‌شود و صاحبان کسب‌وکار از اینش و قدرت لازم برای نقد سیاست‌های اقتصادی نادرست و مقابله با تغییرات نابه‌جا برخوردارند، با ثبات سیاسی انگیزه‌ی کافی برای تولید و سرمایه‌گذاری وجود دارد و به‌نوبه آن تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه افزایش می‌یابد. با بوروکراسی کارآمد هماهنگی‌ها و انجام امور تسریع می‌شود. کیفیت قوانین و مقررات در کاهش هزینه‌ها و رفع موانع کمک‌کننده خواهد بود. با حاکمیت قانون حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها تضمین می‌شود. با کنترل فساد ابتکار و نوآوری بر رانت و رشوه غلبه کرده و ظرفیت‌های فنی جامعه ارتقا پیدا می‌کند و جذابیت‌های اقتصادی بیشتر می‌شود (محمودی، ۱۳۹۶: ۲۲۳).

در مجموع مشارکت عادلانه، کارآمدی، پاسخ‌گویی شرایط را برای ایجاد محیطی توانمند فراهم می‌کند و عرصه برای کارآفرینی و تحرک هم در حوزه عمومی و خصوصی هموار می‌شود. از مالکیت معنوی و مادی کارآفرینان حمایت می‌شود و آن به‌عنوان محرکی برای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی عمل می‌کند. زمینه برای انجام کسب‌وکار با ایجاد تشکل‌های قدرتمند نظارتی تسهیل می‌شود. با دستورالعمل‌های روشن، یکپارچه و شفاف کسب‌وکارها پشتیبانی می‌شود. شرکت‌ها در جهت صحیح تنظیم‌شده به فعالیت می‌پردازند و حقوق مالکیت افراد را تضمین می‌کند. نقش منطقی دولت و ساختار اداری ضمن تسریع فرآیندها موجب کاهش فساد و بهبود فضای کسب‌وکار می‌شود. لذا دو کارکرد مهم اقتصادی الگوی حکمرانی خوب ساختار انگیزشی مناسب و ایجاد عنصر اطمینان است.

۳. الگوی حکمرانی خوب و شاخصه‌های آن در ایران و ترکیه (۲۰۱۷-۲۰۰۶)

در این قسمت ضمن پرداختن به ساختار اجتماعی، شاخصه‌های شش‌گانه‌ی حکمرانی خوب در دو کشور طی ۱۲ سال در دو مقطع در ایران دوره‌ی ۸ ساله‌ی ریاست جمهوری احمدی‌نژاد که تقریباً مصادف با بخش عمده‌ای از نخست‌وزیری اردوغان طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ و نیز دوره‌ی اول ریاست جمهوری روحانی با آغاز دوره‌ی ریاست جمهوری اردوغان و افزایش قدرت و به‌نوعی برجسته شدن این پست طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ ترکیه است. از طرفی، مقایسه این دوره‌ها در خود دو کشور هم است.

۳-۱. ساختار اجتماعی در ایران و ترکیه

در این بخش، ساختار اجتماعی، دولت، جامعه‌ی مدنی و بخش خصوصی و به‌نوعی نیروهای اجتماعی دو کشور در دوره‌های مورد نظر تشریح می‌شود.

۳-۱-۱. دولت

با آغاز روند افزایشی قیمت نفت در دوره‌ی احمدی‌نژاد و وضعیت مطلوب ذخایر ارزی

در آن سال‌ها، زمینه را برای اجرای سیاست‌های توزیعی و پوپولیستی احمدی‌نژاد فراهم می‌ساخت و به‌موازات آن پهنه‌ی ساختاری و سازمانی دولت و نیز سیاست‌های توزیعی دولت افزایش پیدا کرد. بر اساس گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (وقت)، تعداد واحدهای سازمانی ستادی و استانی، عملیاتی و سطوح تقسیمات سیاسی نسبت به دولت قبل به ترتیب ۴۱/۳۲، ۲۵/ و رشد داشته است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اسناد پشتیبان برنامه‌ی ششم توسعه، ۱۳۹۴). در دوره‌ی روحانی با شعار احیای سازمان برنامه، اعتدال‌گرایی و تش‌زدایی در سیاست خارجی انتظار این بود که دولت روند ماهوی و ساختار منطقی خود را پیدا کند، اما این اهداف به دلایلی نظیر عدم نوگرایی در به‌کارگیری نخبگان سیاسی جدید، ظهور ترامپ در آمریکا و آغاز تحریم‌ها علیه ایران ناکام ماند و حتی مصوبات هیئت دولت در مورد واگذاری وظایف به واحدهای استانی و بخش خصوصی کارگشا نبود و همچنان تمرکز فعالیت در دولت و مرکز است (استوار، ۱۳۹۷: ۴۲). اما در ترکیه، دولت اردوغان ضمن حفظ اصول کلی سکولاریسم سنتی ترکیه و پیروی از اصول اقتصاد آزاد که در دهه‌ی ۱۹۸۰ پایه‌گذاری شد و با گرایش‌های مذهبی مردم به صحنه‌ی اقتصادی و سیاسی جامعه نفوذ کرد، نظامی متفاوت با ایران را به وجود آورد که ترکیبی از سکولاریسم، آزادی اقتصادی و حفظ رویکرد اسلامی است (خلج منفرد، ۱۳۹۵: ۷۵). بنیان‌گذاران حزب عدالت و توسعه اعلام کردند که حزب جدید از دموکراسی، سکولاریسم، عدالت و رفاه اجتماعی حمایت می‌کند و قصد دارد ترکیه را یک کشوری ثروتمند بکنند؛ اما ترکیه از سال ۲۰۱۴ به‌خصوص با اصلاح قانون اساسی و با دوره‌ی ریاست جمهوری اردوغان پا به اقتدارگرایی و تمرکز در عرصه‌ی اجرا گذاشت، اگرچه روندی که دولت در کارایی و توسعه اقتصادی شروع کرده بود، متوقف نمی‌شود (مسعودنیا و علیشاهی، ۱۳۹۷: ۱۸۴).

۳-۱-۲. جامعه‌ی مدنی

در دوره‌ی احمدی‌نژاد مجموعه اقدامات دولت در محدودیت برای نهادهای فراگیر توسعه‌ای بود. تأکید اصلی بر عدم حمایت از احزاب سیاسی و نهادهای مدنی است و در عوض بر تقویت نهادهای مذهبی و انقلابی همچون روحانیت، بسیج، نماز جمعه و پایگاه‌های موجود در مساجد به‌عنوان جایگزینی برای احزاب پافشاری می‌شود (پیران، ۱۳۹۲: ۶۰). استراتژی دولت در این دوره ارتباط مستقیم و رو در رو با مردم بود. در دوره‌ی اول روحانی هم بیشتر تمرکز دولت بر سیاست خارجی و حل مسئله‌ی هسته‌ای است و از نظر دولت حل تعارضات خارجی می‌تواند در عرصه‌ی داخلی آرامش به وجود آورد. در مجموع، عرصه‌ی سیاسی ایران به دلیل شرایط اقتصاد رانتی و دولتی و نیز سطح فرهنگی به دور از ساختارهای فراگیر است (حقیقی، ۱۳۹۶: ۵۱).

در ترکیه دموکراسی عموماً انتخاب اول نخبگان و مردم بوده و اراده‌ی نظامیان معطوف به ایجاد رژیم اقتدارگرا نبوده است. با عادی شدن امور پس از کودتاها سازوکارهای دموکراتیک از جمله انتخابات برقرار شده و مبنای سیاست‌گذاری امور قرار می‌گیرد (مقدس، ۱۳۹۶: ۱۸). با تحکیم قدرت حزب عدالت و توسعه، مداخله‌ی نظامیان محدود شده و فرآیند دموکراتیک شدن از طریق اصلاحات قانونی و بهره‌گیری از رسانه‌ها و افکار عمومی تسریع می‌شود. از نظر هپر، مهم‌ترین سهم حزب عدالت و توسعه در دموکراسی ترکیه پایان دادن به نفوذ ارتش و دستگاه قضایی در سیاست است (Haper, 2013: 150). به‌موازات گسترش دموکراسی، رسانه‌ها و مطبوعات هم در این دوره گسترش می‌یابد.

اما پس از سال ۲۰۱۴ و به‌خصوص کودتای سال ۲۰۱۶، روندی از اقتدارگرایی مانع از قدرت‌گیری و یاکنش فعالانه احزاب و جامعه‌ی مدنی در ترکیه می‌شود، در این بازه‌ی زمانی اقتدارگرایی شخص اردوغان نمود بارز و قابل‌مشاهده‌ای دارد و اصلاحات قانون اساسی هم در جهت اهداف مورد نظر وی بوده است (Mecham, 2014: 351). از ۲۰ ژوئیه‌ی ۲۰۱۵ تا ۱۹ ژوئیه‌ی ۲۰۱۶ در جریان درگیری‌های پ ک ک و دولت ترکیه، ۳۰۷ شهروند مدنی، ۵۸۲ عضو نهادهای امنیتی، ۶۵۳ عضو حزب کارگران کردستان و ۲۱۹ جوان با وابستگی نامعلوم کشته شدند و بعد از کودتا هم طرفداران جنبش گولن، نهادهای مدنی، نشریات و فعالین سیاسی در معرض فشار گسترده‌ای قرار گرفتند (نظری، ۱۳۹۵: ۸). علی‌رغم این نکات، نقش و کنش بازیگران گوناگون اجتماعی در صحنه‌ی سیاسی ترکیه به انحصار مختلف همچنان ادامه دارد.

۳-۱-۳. بخش خصوصی

در دوره‌ی احمدی‌نژاد مصادف با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، زمینه برای خصوصی‌شدن و کوچک‌شدن دولت تسهیل می‌شود. در سال‌های آغازین دولت نهم خصوصی‌سازی بسیار کند بود و علی‌رغم ابلاغ این سیاست‌ها، دولت نهم به میزان تقریباً ۹٪ از طرح‌های خصوصی‌سازی را واگذار کرد. در دولت دهم با وجود شعار دولت مبنی بر خصوصی‌سازی، همچنان بخش اعظم بودجه به شرکت‌های دولتی اختصاص دارد (گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۲). در این دوره، بیش‌تر خصوصی‌سازی در قالب سهام‌عدالت، واگذاری سهام به صندوق‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و یارد دیون بوده و عملاً بخش خصوصی واقعی شکل نگرفته است. در دوره‌ی روحانی نیز با وجود مشکلات ساختاری و نهادی باقیمانده از گذشته و افزایش حجم بودجه‌ی عمومی دولت و فراهم‌نبودن بسترهای لازم، بخش خصوصی چندان قدرت پیدا نکرده است و از طرف دیگر، اقدامات درخور توجهی در توسعه‌ی بخش تعاون صورت نمی‌گیرد و همچنان سهم این دو بخش در اقتصاد ناچیز مانده است (غفاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۰).

اما در ترکیه توجه به بخش خصوصی از دوره‌ی تورگوت اوزال در دهه‌ی ۱۹۸۰ شروع شد. در چارچوب سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال اوزال، بازار به الگویی برای سامان‌دهی جامعه، سیاست و حتی دین مبدل شد. چنین سیاست‌هایی سبب ظهور نسل جدید کارفرمایان دین‌دوست معروف به بهره‌ای آناتولی گردید (انتخابی، ۱۳۹۲: ۲۹۸-۲۹۷). با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیاست‌های اقتصادی تورگوت اوزال با شدت بیشتری ادامه یافت. اردوغان برخلاف پدران معنوی‌اش که به دنبال نظام اقتصاد اسلامی بودند، سرمایه‌داری و اسلام را باهم در تضاد نمی‌دید. وی به تبعیت از علایق اقتصادی مسلمانان طبقه‌ی متوسط که مهم‌ترین پشتیبان انتخاباتی حزب محسوب می‌شوند، اقتصاد کشور را باز و آزاد کرد و توانست پایگاه اجتماعی و حمایتی خود را توسعه ببخشد. حزب عدالت و توسعه، پس از روی کار آمدن، به ایجاد اصلاحات در قانون اساسی پرداخت و به حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی و گشایش فضای اقتصادی پرداخت. از جمله مهم‌ترین سیاست‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. تصویب قانون ۴۰۴۶ خصوصی‌سازی با محورهای کاهش مداخله‌ی دولت در فعالیت اقتصادی، کاهش بار پولی بنگاه‌های اقتصادی دولتی بر بودجه‌ی ملی؛ توسعه‌ی بازارهای سرمایه، هدایت مجدد منابع به سوی سرمایه‌گذاری جدید؛ ۲. تشکیل شورای عالی خصوصی‌سازی؛ ۳. اجرای خصوصی‌سازی از طریق فروش، اجاره، تفویض حقوق عملیاتی، ایجاد حقوق مالکانه و مدل سهمیه‌ی

سود (زاهدی، ۱۳۹۷: ۶ و ۲۸-۲۷: Adham, 2006). بنابراین ترکیه با پیشینه‌ی روشن دوره‌ی اوزال در این دوره هم به تحکیم بخش خصوصی پرداخت و به نسبت ایران هم در این بخش قدرتمندتر است.

۲-۳. شاخصه‌های الگوی حکمرانی خوب در ترکیه و ایران (۲۰۰۶-۲۰۱۷)

در این قسمت به بررسی آماری، تحلیلی و مقایسه‌ای شاخصه‌های الگوی حکمرانی خوب و به‌نوعی ماهیت دولت ایران و ترکیه در این دوره پرداخته می‌شود.

۱-۲-۳. ثبات سیاسی وعدم خشونت

ناآرامی سیاسی، اطمینان و امید به آینده را که زمینه‌ساز توسعه است، مختل می‌سازد و فضای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را آلوده می‌کند و در مجموع به کاهش کارایی و مطلوبیت می‌انجامد (سریع القلم، ۱۳۷۵: ۹۳). البته در کنار بی‌ثباتی‌های سیاسی، بی‌ثباتی در سیاست‌ها و مدیریت آنان تأثیر عمده‌ای بر توسعه می‌گذارد (Abdiweli, 2001: 96). در دوره‌ی احمدی‌نژاد هم بی‌ثباتی در سیاست‌ها و هم در صحنه‌ی سیاسی قابل مشهود است. اختلافات بین قوا در این دوره‌ی کاملاً مشهود است و همچنین تغییرات پی در پی اعضای کابینه، استانداران و حتی مدیران میانی که خود بر ثبات سیاسی و مدیریت امور کاملاً تأثیرگذار بود. در صحنه اجتماعی مهم‌ترین بی‌ثباتی می‌توان به انتشار کاریکاتوری در روزنامه‌ی ایران در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۵ اشاره کرد که به اعتراضات دانشجویی دانشگاه‌های تهران، تبریز و دیگر شهرها منجر شد؛ اما مهم‌ترین بی‌ثباتی سیاسی در این دوره اعتراضات مربوط به نتایج انتخابات دهم ریاست جمهوری بود. در سراسر سال ۱۳۸۸ اعتراضات شورش‌هایی به نتیجه‌ی انتخابات وقوع پیوسته و شدیدترین اعتراضات مربوط به تاسوعا و عاشورا است که به‌نوعی امور کشور در طی یک سال با اختلال روبه‌رو کرد (پوریان، ۱۳۹۲: ۱۵۰). در دوره‌ی روحانی با توجه به رویکرد جدید دولت مبنی بر اعتدال‌گرایی تا حدودی ثبات و آرامش در بخش‌های مختلف و حتی در سیاست‌ها هم حکم‌فرما شد، اما ناآرامی‌های مربوط به دی‌ماه سال ۱۳۹۶ در روند ثبات سیاسی این دوره تأثیرگذار بود. میانگین ثبات سیاسی در این دوره ۰/۸۸- است که نسبت به دوره‌ی احمدی‌نژاد ۱/۳۷- در وضعیت بهتری قرار دارد (جدول ۱).

در دوره‌ی حاکمیت حزب عدالت و توسعه برای افزایش میزان حمایت و گسترش دامنه‌ی پایگاه اجتماعی‌اش به‌ویژه در زمان انتخابات خود را نیازمند به جلب نظر اقوام و اقلیت‌های دیگر به‌ویژه کردها و علویان می‌دانست (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۱۲۰). این حزب شماری از برنامه‌های اصلاحاتی را برای مخاطب قرار دادن نارضایتی کردها طراحی و اجرا کرده است. در آگوست سال ۲۰۰۲ تلویزیون دولتی ترکیه پخش محدود برنامه‌های تلویزیونی به زبان کردی آغاز کرد (Ozbudun & Genckaya, 2009: 97)؛ اما لایه‌بندی‌ها و شکاف‌های اجتماعی در ترکیه به‌خصوص شکاف کردی و فعال شدن شکاف سنی-علوی پس از کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ بر بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی و دسته‌بندی‌های گوناگون افزوده است (Ward, 2016). طبق آمارهای بانک جهانی میانگین ثبات سیاسی در ترکیه تا سال ۲۰۱۳، ۰/۸۹- و در سال ۲۰۱۷ این عدد به ۱/۶۲- می‌رسد. اما در مجموع ترکیه (۲۰۰۶-۲۰۱۷) با میانگین نمره‌ی ۱/۱۴- از ایران با نمره‌ی ۱/۲۰- در وضعیت باثبات‌تری قرار دارد (جدول ۱). هرچند از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ با توجه به وقایع مورد اشاره در ترکیه نمره‌ی این کشور ۱/۶۲- و ایران نمره‌ی ۰/۸۸- روند ناآرام سیاسی را طی کرده است.

۳-۲-۲. کنترل فساد

فساد سوءاستفاده از قدرت عمومی برای سود شخصی است و اغلب به‌عنوان یک پدیده‌ی منفی مطرح می‌شود که می‌تواند تأثیر پیچیده و منفی بر اقتصاد داشته باشد (Mendez & Sepulveda, 2006: 18). در دوره‌ی احمدی‌نژاد فسادهای کلان مالی رخ می‌دهد. فساد در بیمه ایران، اختلاس سه هزار میلیاردی و فساد نفتی از جمله آن‌هاست. از دلایل اصلی حجم فساد در این دوره، افزایش قیمت نفت و نکیه‌ی بیشتر بر درآمدهای نفتی بود که اندازه و حیطه‌ی دخالت دولت در تمام امور گسترش می‌یابد و این خود کنترل دولت و حفظ سلامت در آن را بسیار سخت‌تر می‌کند. رانت‌جویی علاوه بر تضعیف نهادها با فساد نیز در ارتباط است. چنان‌که دولت در حکم یک گنجینه که تمامی گروه‌های ذی‌نفوذ برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند و در چنین شرایطی زمینه‌ی فساد گسترده فراهم می‌شود. فساد به‌نوبه خود، بر خط‌مشی و سیاست‌گذاری‌ها اثر منفی جای می‌گذارد (میرترابی، ۱۳۸۷: ۳۱). این موضوع هم در دوره‌ی روحانی به نحوی ادامه پیدا می‌کند و بخصوص با شروع افزایش درآمدهای نفتی بعد از برجام هم تشدید می‌شود، البته در فساد سهم قوای دیگر را نیز باید دخیل دانست. اگرچه در کنترل فساد هم نمره‌ی دولت روحانی با ۰/۶۸- در برابر دولت احمدی‌نژاد با ۰/۷۴- در وضعیت بهتری قرار دارد (جدول ۱).

اما در ترکیه مدیران AKP نیز خود را به گسترش و توسعه‌ی خدمات پلیس برای نظارت و پیگرد قانونی امور مالی و جرایم و موارد فساد متعهد می‌کردند. این تأکید روی قانون و نظم به‌ویژه از وزارت مبارزه با قاچاق و جرایم سازمان‌یافته (کمپانی) شروع شد. تمام مقامات در هر رده‌ای سعی می‌کردند خود را به‌عنوان قاضی بی‌طرفی تلقی کنند (Miszta, 2007: 3). برای عضویت در اتحادیه‌ی اروپا هم شفافیت و مبارزه با فساد یکی از لوازم اصلی بود و حتی در انتخابات سال ۲۰۰۷ مبارزه با فساد به‌عنوان یکی از ابزارهای تبلیغاتی بین حزب عدالت و توسعه و دیگر احزاب است. برای حزب عدالت و توسعه و مخالفین آن فساد و چگونگی مبارزه با آن به‌عنوان ابزار تحرک شناخته شده است. علی‌رغم این نزاع‌های سیاسی که فساد به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی استفاده می‌شود؛ اما آمارها نشان می‌دهد که ترکیه کشوری که فساد در مقیاس متفاوتی در آن وجود دارد و حکومت هنوز یک مسیر زیادی باید برای مقابله با فساد طی کند (Michael, 2015: 30). در زمینه‌ی کنترل فساد هم آمارها وضعیت بهتر ترکیه را با نمره‌ی ۰/۲۲- در برابر ۰/۷۲- ایران نشان می‌دهد. البته کنترل فساد در سال‌های (۲۰۱۳ تا ۲۰۰۶) با نمره‌ی ۰/۴۴- نسبت به دوره‌ی ۲۰۱۴-۲۰۱۷ با ۰/۹- در ترکیه در شرایط مناسب‌تری قرار دارد.

۳-۲-۳. کیفیت قوانین و مقررات

این شاخص بیان‌گر مفاهیمی چون مقررات دست و پاگیر، مداخله‌ی دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای، غیرتعرفه‌ای دسترسی به بازارهاست (خداپرست، ۱۳۹۵: ۳۷). در این جهت، قوه‌ی مقننه در ایران دارای آسیب‌های ساختاری، کارکردی و محتوایی است. فقدان تعریف روشن و جامع از قوه‌ی مقننه و عدم تعیین دقیق ساختار و اجزای این نهاد، وجود برخی نارسایی‌ها و ابهامات در آیین‌نامه‌های داخلی و سازوکارهای درونی مجلس از جمله عدم نظارت بر رفتار حرفه‌ای نمایندگان، عدم رعایت اصول حقوقی و انشایی در تدوین و نگارش قوانین و وجود جریان‌ات موازی قانون‌گذاری مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبات قوه‌ی مجریه و برخی مجامع و نهادهای دیگر از مهم‌ترین چالش‌های قوه‌ی مقننه در ایران است (جلالیان،

۱۳۹۶: ۲۹۵). وجود قوانین زیاد چنان‌که سهم مجالس پس از انقلاب اسلامی به‌طور میانگین در هر دوره بیش از ۳۰۰ قانون بوده که خود عامل مشکل‌زایی است؛ بنابراین، فرآیند قانون‌گذاری و وجود قوانین متعدد و موازی موجب شده قوانین نقش مهمی در تسهیل امور ایفا نکنند، هرچند در این شاخص هم در دوره روحانی با توجه به رویکرد قانون‌مداری دولت و لغو برخی از مصوبات مسئله‌دار دولت قبل در امور گوناگون اوضاع تا حدودی روبه سهولت برود. چنان‌که طبق آمار بانک جهانی میانگین نمره این شاخص حکمرانی در دوره احمدی‌نژاد ۱/۵۷- و در دوره روحانی به ۱/۳۰- می‌رسد.

اما اقدامی که در ترکیه در جهت نقش منطقی نظام قانون‌گذاری و مدیریت و تسهیل امور استفاده می‌شود، اصلاحیه‌های قانون اساسی در این کشور است (میرترابی، ۱۳۸۹: ۳۸۲). در سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ اصلاحات در قانون اساسی مطرح یا مستقیم توسط مجلس به تصویب رسید و یا به همه‌پرسی گذاشته شد. در این اصلاحیه‌ها بر تحکیم و تقویت بخش اجرایی کشور، انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور از طرف مردم و انتخاب اعضای شورای عالی قضایی و دادگاه قانون اساسی از طرف مجلس و امکان حق شکایت شهروندان به دادگاه قانون اساسی و همچنین قدرت گسترده‌ی پست ریاست‌جمهوری تأکید می‌شود. اما در عرصه‌ی اجرایی یکی از قوانین مهم در ترکیه قانون سرمایه‌گذاری خارجی است. این قانون منعکس‌کننده‌ی نزدیک شدن ترکیه به قوانین بین‌المللی سرمایه‌گذاری در مقایسه با قوانین قدیمی است. از دیگر قوانین مهم که در حیات اقتصادی ترکیه تأثیرگذار است، باید به قوانین برای حمایت از گردشگری اشاره کرد. هدف از تصویب آن تنظیم و توسعه‌ی بخش گردشگری در ساختاری پویا و منطقی است (زاهدی، ۱۳۹۷: ۱۴). میانگین مجموع در ترکیه ۲۶٪ و در برابر آن ایران ۱/۴۸- است. دولت ترکیه در دوره‌ی قبل از ریاست‌جمهوری اردوغان با ۳۳٪ در تسهیل‌گری امور در وضعیت بهتری نسبت به دوره‌ی بعد از آن با نمره‌ی ۳۱٪ قرار دارد.

۳-۲-۴. حاکمیت قانون

اصولاً نظم سیاسی مدرن دربردارنده‌ی سه عنصر کلیدی است: ۱. دولت‌سازی، ۲. حکومت قانون، ۳. مسئول شدن حکومت. (Fukuyama, 2011: 421) حاکمیت قانون از طریق حفظ حقوق مالکیت، حسن اجرای قراردادهای، توسعه بازارها و تشویق کارآفرینی بر روند اقتصادی تأثیر عمده‌ای دارد (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۰۷). ماده‌ی ۲ قانون مدنی صراحتاً اعلام می‌دارد که قوانین مصوب مجلس، پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجرا است، مگر آن‌که در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد. بر اساس این ماده‌ی قانونی، هیچ‌گونه تعلل و خللی در اجرای قوانین نباید ایجاد شود. اما در دوره احمدی‌نژاد تعداد زیادی از قوانین پس از تصویب در مجلس و ابلاغ به رئیس‌جمهوری اجرا نمی‌شود. مهم‌ترین موارد قانون‌گریزی در دوره احمدی‌نژاد عدم تمکین دولت مبنی بر تشکیل وزارت ورزش و جوانان، عدم معرفی وزیر جدید راه‌ترابری، گزارش دیوان محاسبات از تخلفات دولت در عدم واریز مازاد در آمد نفتی به حساب ذخیره‌ی ارزی، تخلفات مربوط به اجرای قانون بودجه و یا مربوط به اجرای قانون هدف‌مند کردن یارانه‌ها اشاره کرد (سایت آفتاب نیوز، ۱۳۹۲/۰۷/۰۵). در دوره روحانی بین قوا هماهنگی وجود دارد و اختلافات کمتر شکل می‌گیرد، هرچند در این دوره هم نقاط افتراق‌هایی وجود دارد که آن را در روند تصویب برنامه‌ی ششم توسعه یا قانون بودجه و یا تعارض با قوه‌ی قضاییه می‌توان مشاهده کرد، اما مشکل ساختاری در قانون‌گذاری فراتر از دولت‌ها یکی از دلایل اصلی در

نوسانات این شاخص در ایران است. در شاخص قانون‌مداری هم دولت روحانی با ۷۲٪ - در برابر دولت احمدی‌نژاد با ۹۲٪ - در وضعیت بهتری به سر می‌برد. در ترکیه و در برنامه‌ی حزب عدالت و توسعه‌ی پذیرش دموکراسی مورد اشاره اتحادیه‌ی اروپا بدون نفی ارزش‌های سنتی و بومی جامعه‌ی ترکیه مورد تأکید است. عبدالله گل در این راستا معتقد است، ما می‌خواهیم ثابت کنیم یک جامعه‌ی مسلمان در حالی که ارزش‌ها، سنت و هویت خود را حفظ می‌کند، قادر به انجام تغییرات است و به استانداردهای معاصر نیز دست می‌یابد (Güle, 2004). از سال ۱۹۹۹ که بحث عضویت در اتحادیه‌ی اروپا جدی شده این کشور اصلاحات سیاسی و حقوقی زیادی انجام داده که به تسهیل دموکراسی در ترکیه منجر شده است. این اصلاحات مواردی نظیر حقوق مدنی، رویه‌های قضایی و دادرسی و حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی، لغو دادگاه‌های امنیتی، لغو بازداشت موقت و آزادی استفاده از زبان کردی در رادیو و تلویزیون دولتی در برمی‌گیرد که زمینه را برای تقویت آزادی افراد و گروه‌های اجتماعی فراهم می‌کند (قهرمان پور، ۱۳۸۸: ۱۴۵)؛ اما ترکیه از سال ۲۰۱۴ به‌شدت تحت کنترل اردوغان و حزب متبوعش درآمده و از قوانین مدنی، جزای افترا و ضد تروریسم در راستای مجازات نویسندگان و روزنامه‌نگاران استفاده کرده و آن‌ها با انواع خشونت مواجه شده‌اند و به نوعی هر حرکت انتقادی به‌شدت سرکوب شده است (نظری، ۱۳۹۵: ۱۱). میانگین نمره‌ی حاکمیت قانون بین سال ۲۰۱۴ با ۴۷٪ - با بعد از آن با ۱۴٪ - متفاوت است. البته در این شاخص هم نمره‌ی میانگین کلی ترکیه با ۳۶٪ - بهتر از نمره‌ی ایران با ۹۴٪ - است.

۳-۲-۵. پاسخ‌گویی و اظهارنظر

در دولت احمدی‌نژاد جامعه‌ی مدنی و احزاب سیاسی رشد و گسترش پیدا نکردند، دولت بیشتر سعی می‌کرد رو در رو بدون واسطه با مردم عادی در تماس باشد. به دلیل نگاه محدود دولت، نهادهای مدنی که به‌تدریج وارد فاز تثبیت می‌شوند با چالش‌های جدیدی روبه‌رو شدند. با وجود پذیرش این نهادها در سخن دولتمردان در عمل از رشد و ادامه‌ی حیات آنان جلوگیری می‌کند. با وجود شعارهای عدالت‌محورانه حرکت به‌سوی عدالت اجتماعی در جنبه‌ی نهادی احساس نمی‌شود. بنابراین، نهادهای مدنی در این دوره از سوی دولت طرد و آن‌ها به‌عنوان ابزارهای بی‌خاصیتی برای امور کشور تلقی می‌شود (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۵۵). رئیس‌جمهور با نهادهای مختلف نظام مانند مجلس شورای اسلامی به‌خصوص و قوه قضاییه و حتی بخشی از نیروهای مسلح اختلاف پیدا می‌کند. در دوره‌ی روحانی هم فعالیت دولت در سیاست خارجی تمرکز پیدا می‌کند و جامعه‌ی مدنی چندان گسترش نمی‌یابد هرچند رئیس‌جمهور با شعار اعتدال‌گرایی سعی می‌کند بین جریان‌های مختلف موازنه، اجماع و توافق برقرار کند (رضایی، ۱۳۹۲: ۱۵۰). در این شاخص دولت روحانی با میانگین نمره‌ی ۴۳٪ - در برابر ۵۳٪ - وضعیت بهتری نسبت به دولت احمدی‌نژاد دارد.

در ترکیه با روی کار آمدن اسلام‌گرایان در ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه و اقدامات اصلاحی، نرخ تورم در کشور تکرر می‌شد، اعتماد به بازار سرمایه بازگشت و میزان بیکاری نیز کاهش پیدا کرد. در ارتباط با مسائل دینی و اسلامی دولت اردوغان تلاش کرد به‌تدریج از مشی لائیسزم در ترکیه فاصله بگیرد و رویکرد مشخصی را اعمال نماید (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۴). پیروزی قاطع این حزب در چند انتخابات پشت سر هم ریشه در عملکرد و سیاست‌های اقتصادی، سیاست خارجی و داخلی این حزب دارد؛ اما بعد از سومین پیروزی انتخاباتی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۱۱ روند دموکراسی‌سازی به‌قهقرا رفت.

محتوای شعارهای اعتراض‌کنندگان سیاسی است و به اقتدارگرایی حزب عدالت و توسعه و عدم انعطاف دمکراتیکی آن می‌تازند. در خود حزب عدالت و توسعه از نظر بسیاری از منتقدان اگرچه حزب به لحاظ بیرونی وجهه‌ای دموکراتیک دارد، ساختار درونی آن متصلب بوده و از شخصیت و طرز فکر اردوغان بسیار متأثر است (Peters, 2013: 3). بعد از سال ۲۰۱۴ و به‌خصوص پس از کودتای ۲۰۱۶ اردوغان به مهندسی اجتماعی و سیاسی پرداخت و به برداشتن تمامی مخالفین و عناصر گولن در ارکان حکومتی و تحت فشار قرار دادن احزاب منتقد و در نهایت تغییر قانون اساسی در جهت اهداف خود اقدام نمود و به نوعی فرصت لازم برای پیگیری مقاصد سیاسی‌اش فراهم شد (Taspinar, 2014: 57). بر این پایه، نمره‌ی این شاخص هم تنزل پس از سال ۲۰۱۴ نسبت به قبل از آن با نمره‌ی ۰/۵۰- در برابر ۰/۴۳- نشان می‌دهد. اگرچه این شاخص در دو دوره برای ترکیه منفی نشان می‌دهد، ولی در میانگین کلی آن از ایران با نمره‌ی ۰/۴۶- در برابر ۱/۲۴- جلوتر است.

۳-۲-۶. شاخص کارایی و اثربخشی

این شاخص مربوط به کیفیت نظام اداری و ارائه‌ی خدمات آن و رسیدن دولت به اهداف خود است. نظام اداری عموماً به‌عنوان ابزار توسعه تلقی می‌شود و به‌نوعی دولت از این طریق راهبری و مدیریت توسعه را انجام می‌دهد. اما در دوره‌ی احمدی‌نژاد در این بخش اقداماتی انجام می‌شود که نظام اداری از مسیر اصلی خود منحرف کرده است. هرچند ناکارآمدی نظام اداری ایران ریشه‌ی تاریخی دارد؛ اما از اولین اقدامات دولت احمدی‌نژاد انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که از ساختار این سازمان دو معاونت هماهنگی و نظارت راهبردی و معاونت توسعه‌ی مدیریت و سرمایه‌ی انسانی رئیس‌جمهور تشکیل و تمام امور اداری و مالی در این دو معاونت گنجانده شد. از اقدامات دیگر که از منظر رئیس‌جمهور وقت باهدف تسریع امور انجام شد، حذف بسیاری از شوراها است (شورجی، ۱۳۹۵: ۱۷۰). در این دوره شاهد مصوبات جنجالی در حوزه‌ی نظام اداری هستیم که می‌توان به مصوبه مهرآفرین اشاره کرد. بر پایه‌ی همین مصوبه در اواخر دولت تعداد بی‌شماری نیروی انسانی به دستگاه‌های اجرایی اضافه شدند و از طرفی دیگر، ساختار دولت با افزایش تعداد پست‌های سازمانی توسعه پیدا کرد. البته به‌موازات آن در این دوره چندین وزارت‌خانه باهم ادغام شد. نمره‌ی این شاخص هم برای ایران منفی است و به‌نوعی ناکارآمدی بخش اداری را نشان می‌دهد. در دوره‌ی روحانی در حوزه‌ی نظام اداری، ضمن احیای سازمان مدیریت و در ادامه سازمان اداری و استخدامی و سازمان برنامه و بودجه، شاهد اجرای برنامه‌ی جامع اصلاح نظام اداری ۱ و ۲ و نیز ماده‌ی ۲۸ قانون برنامه‌ی ششم توسعه که خود منجر به کاهش حجم نظام اداری و کارآمدتر شدن آن شد که آن در آمارهای بانک جهانی قابل ملاحظه است. نمره‌ی این شاخص در دوره‌ی احمدی‌نژاد ۰/۵۶- و در دوره‌ی روحانی ۰/۲۶- است.

در ترکیه، همزمان با عرصه‌های دیگر نظام اداری هم از سال ۲۰۰۲ به بعد دچار تغییر و تحول شده و تأثیرات آن در روند سیاست‌گذاری عمومی به‌خصوص در شفافیت و محیط کسب‌وکار مشخص است. البته در این بخش هم به شرایط عضویت در اتحادیه‌ی اروپا و زمینه‌های اداری که این اتحادیه معرفی می‌نماید، باید توجه کرد (صفرزاده، ۱۳۹۱: ۱۵). در عرصه‌ی عمومی و به لحاظ سیاسی نیز اعتبار بین‌المللی ترکیه، بهبود چشم‌گیری داشت. در اکتبر سال ۲۰۰۸ ترکیه از حوزه‌ی اروپا کاندیدای عضویت غیردایم شورای امنیت شده بود،

دولت ترکیه به اعتراضات طرح شهری گزی پارک استانبول، با خشونت و سختی پاسخ داد. در کنار آن وقوع اعتراضات در می و ژوئن ۲۰۱۳ نشان داد که حزب عدالت و توسعه بر سر پیمان‌های دموکراتیک خود با مردم باقی نمانده است (Hiro, 2013: 3). بخش عمده‌ی انتخاب شد. در سال ۲۰۰۲، اقتصاد ترکیه با تولید ناخالص داخلی حدود ۱ تریلیون دلاری همچنان رتبه‌ی ششم اروپا و شانزدهم جهان را به خود اختصاص داد که بخش قابل توجهی از این رشد مدیون توسعه‌ی مناسبات اقتصادی ترک‌ها با همسایگان منطقه‌ای بوده است (Davutoglu, 2012). تولید ناخالص ملی ترکیه از ۳۰۰ به ۷۵۰ میلیارد دلار رسید. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ متوسط درآمد سرانه‌ی ترک‌ها بیش از سه برابر شد. متوسط سرانه‌ی سالانه‌ی ترک‌ها از ۳۰۰/۳ دلار به بیش از ۱۰ هزار دلار افزایش یافت. از زمان تشکیل جمهوری ترکیه برای نخستین بار اقتصاد ترکیه به رتبه شانزدهم در جهان و ششم اروپا رسید (Nafaa, 2011: 39). در عرصه‌ی فرهنگی موازنه‌ای بین اسلام و سکولاریسم مطرح شد و همبستگی و انسجام در عرصه‌ی اجتماعی فراهم شد. البته در عرصه‌های مختلف به خصوص در حوزه‌ی اقتصاد به‌عنوان مهم‌ترین دستاورد حزب عدالت و توسعه پس از کودتا و اتفاقات سال ۲۰۱۶ نوساناتی وجود داشته است و روند توسعه‌ای ترکیه و تداوم دستاوردهای گذشته را دچار اختلال کرد، اگرچه همچنان دولت اردوغان سعی دارد در حوزه‌های مختلف کنترل لازم را داشته باشد (Turkey Economic Outlook, 2018). چنان‌که نمره‌ی این شاخص در دوره‌ی قبل از سال ۲۰۱۴، ۳۰. و در دوره‌ی بعد ۱۷. است. در مجموع با توجه به پیشینه‌ی نظام اداری و دستاوردهای آن در طول تاریخ و تحکیم آن در دوره‌ی اوزال و اردوغان و ناکارآمدی تاریخی نظام اداری ایران نمره‌ی این شاخص در ترکیه با ۲۹. از ایران با ۴۲. - بهتر است. با توجه به آمارهای جدول (۲ و ۱) می‌توان گفت در ایران دوره‌ی روحانی با رویکرد اعتدال‌گرایی در عرصه‌ی سیاست داخلی و خارجی و هدف توسعه‌ای در سیاست‌گذاری امور شاخص‌های حکمرانی نسبت به دوره‌ی احمدی‌نژاد ارتقا پیدامی‌کند. چنان‌که میانگین حکمرانی دولت روحانی ۸۷. - و دولت احمدی‌نژاد ۱۵/۱- است. از طرفی، تمام شاخص‌ها در این دوره‌ی ۱۲ ساله برای ایران منفی است. در ترکیه دوره‌ی نخست‌وزیری اردوغان (۲۰۱۳-۲۰۰۶) میانگین حکمرانی خوب ۰۳۱. است که در دوره‌ی ریاست جمهوری وی (۲۰۱۷-۲۰۱۴) با توجه به رویکرد جدید و همچنین تحولات سیاسی به ۴۴. - می‌رسد؛ اما میانگین حکمرانی خوب در دو دوره و در مجموع در ترکیه با نمره ۰۷/۰- از ایران با نمره ۱- بهتر است؛ بنابراین با توجه به نمرات حکمرانی، روند اقتصادی دو کشور در این مقطع تا حدودی مسیر متفاوتی طی می‌کند که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود.

جدول ۱. شاخصه‌های الگوی حکمرانی خوب در ایران و ترکیه (۲۰۱۷-۲۰۱۴)

سال	ثبات سیاسی		فساد		شاخص کیفیت قوانین و مقررات		حاکمیت قانون		شاخص پاسخگویی و اظهارنظر		کارایی و اثربخشی	
	ایران	ترکیه	ایران	ترکیه	ایران	ترکیه	ایران	ترکیه	ایران	ترکیه	ایران	ترکیه
۲۰۰۶	-۱۷۸	-۱۰۶	-۱۴۸	۰	-۱۴۹	۲۹	-۱۹	۱۵	-۱۴۷	-۱۱۱	-۱۵۷	۱۱۲
۲۰۰۷	-۱۹۹	-۱۸۲	-۱۴۶	۱۹	-۱۵۹	۳۲	-۱۹۲	۱۲	-۱۵۳	-۱۹	-۱۵۹	۳۱
۲۰۰۸	-۱۹۸	-۱۸۵	-۱۷۱	۱۸	-۱۶۴	۲۷	-۱۸۵	۱۸	-۱۵۴	-۱۸	-۱۶۱	۲۷
۲۰۰۹	-۱۵۵	-۱۷۳	-۱۸۶	۱۷	-۱۷۳	۳	-۱۹۴	۱۱	-۱۵۵	-۱۹	-۱۵۷	۲۸
۲۰۱۰	-۱۶۲	-۱۹۲	-۱۹۹	۱۳	-۱۷	۳۱	-۱۹۸	۱۲	-۱۵۷	-۱۱۲	-۱۴۸	۲۹
۲۰۱۱	-۱۴۲	-۱۹۶	-۱۹۲	۱۶	-۱۵۱	۳۸	-۱۹۴	۱۸	-۱۵۵	-۱۱۶	-۱۴۴	۳۵
۲۰۱۲	-۱۳۳	-۱۱۹	-۱۸۲	۱۷	-۱۴۳	۲۲	-۱۹	۱۴	-۱۵۱	-۱۲۳	-۱۵۴	۲۱
۲۰۱۳	-۱۲۷	-۱۱۹	-۱۶۸	۱۱	-۱۵	۲۲	-۱۹۸	۱۸	-۱۶	-۱۲۶	-۱۷	۳۸
میانگین	-۱/۲۷	-/۱۸۹	-/۱۷۲	۲۴۲	-/۱۵۷	۳۳	-/۱۹۲	۲۷	-/۱۵۳	-/۴۳	-/۱۵۶	۳۰
۲۰۱۴	-۱۸۷	-۱۰۹	-۱۶۲	۱۵	-۱۴۶	۲۰	-۱۶	۱۱	-۱۵۸	-۱۲۴	-۱۴۳	۳۷
۲۰۱۵	-۱۹۳	-۱۴۹	-۱۶۰	۱۳	-۱۳۱	۲۷	-۱۹۲	۱۱	-۱۵۱	-۱۳۷	-۱۲۱	۲۲
۲۰۱۶	-۱۸۱	-۲۱	-۱۷۱	۱۳	-۱۲۶	۲۰	-۱۶۸	۱۲	-۱۳۴	-۱۶۱	-۱۱۹	۱۰۴
۲۰۱۷	-۱۹۳	-۱۸۰	-۱۸۱	۱۶	-۱۲۰	۱۶	-۱۶۸	۱۲	-۱۳۰	-۱۷۱	-۱۱۹	۱۰۷
میانگین ۲۰۱۷-۲۰۱۴	-/۱۸۸	-/۱۶۲	-/۱۶۸	۱۹	-/۱۳۰	۲۱	-/۱۷۲	۱۲	-/۱۴۳	-/۱۵۰	-/۱۲۶	۱۷
میانگین کلی	-۱/۲۰	-۱/۱۴	-/۱۷۲	۲۲	-۱/۴۸	۲۶	-/۱۹۴	۳۶	-۱/۲۴	-/۴۶	-/۴۲	۲۹

www.Worldbank.org

جدول ۲. میانگین الگوی حکمرانی خوب در ایران و ترکیه سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۶

شاخص‌ها	نمره (ایران)	نمره (ترکیه)
میانگین مجموع داده‌ها	-۱	-/۰۷
دوره (۲۰۱۳-۲۰۰۶)	-۱/۱۵	./۰۳۱
دوره (۲۰۱۷-۲۰۱۴)	-/۸۷	-/۴۴

۴. توسعه‌ی اقتصادی در ایران و ترکیه (۲۰۱۷-۲۰۰۶)

نوع سازمان‌دهی و توزیع شراکتی و افقی قدرت در الگوی حکمرانی خوب و همچنین شاخص‌هایی که در این الگو برای دولت متصور است، زمینه را برای شفافیت و تسهیل‌گری

در کسب‌وکارها فراهم می‌کند و تعاملات اجتماعی که پایه اقتصادی دارند هم در مسیری از اعتماد و اطمینان به‌پیش می‌رود (Lia, 2018:4)؛ بنابراین زمینه‌های نهادی و اجتماعی این الگو بر شاخص‌های اقتصادی تأثیرگذار است. با توجه به این‌که میانگین حکمرانی خوب در ترکیه به نسبت ایران در شرایط بهتری قرار دارد و همچنین در این کشور میانگین حکمرانی از ۲۰۱۳-۲۰۰۶ با دوره‌ی ۲۰۱۷-۲۰۱۴ متفاوت است و در ایران هم وضعیت شاخصه‌های حکمرانی دوره‌ی احمدی‌نژاد با دوره‌ی روحانی تفاوت دارد، این تفاوت حکمرانی هم بر روند شاخصه‌های اقتصادی در این دو کشور و این دوره‌ها تأثیر گذاشته است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۴-۱. شفافیت

شفافیت یکی از ابعاد مهم در اقتصاد است که زمینه را برای رقابت سالم و ایجاد انگیزه فراهم می‌کند و موجب نظم و کارایی در سیاست‌های اقتصادی می‌شود ((Payne, 2012: 84. عدم شفافیت و به نوبه آن فسادهای گسترده در دوره‌ی احمدی‌نژاد رواج پیدا کرد که عمدتاً ناشی از شیوه‌ی مدیریت دولت است که چندان در پی اجرا و قید مقررات و نظارت نبود. تغییرات ساختاری از جمله انحلال سازمان مدیریت و برخی شوراهای که در این میان نقش سازمان مدیریت به حاشیه رفت و دیگر هیچ‌گاه نتوانست ساختار و شکل اولیه‌ی خود را به دست آورد، در این موضوع تأثیرگذار است (مطلبی، ۱۳۹۷: ۳۲). فضای امنیتی حاصل از اختلافات سیاسی موجب شد شفافیت رسانه‌ای از میان برود و خلافکاران با خیال راحت جولان دهند. عامل مهم دیگر تحریم‌های آمریکا بود که عده‌ای از افراد با هدف دور زدن تحریم‌ها وارد معرکه شدند و هرچه توانستند فساد کردند و در نهایت هم به حجم رو به افزون دولت اشاره کرد. عدم ثبات سیاست‌ها و طرح‌های اقتصادی کارشناسی نشده در این دولت اشاره کرد. در دولت اول روحانی، اقداماتی در جهت افزایش شفافیت انجام شد، نظم و ثبات اقتصادی به خصوص در دولت اول پایه‌ی اصلی سیاست‌گذاری‌ها شد. همچنین در زمینه‌ی توسعه‌ی دولت الکترونیک و گسترش سامانه‌ها اقداماتی انجام شد. از طرفی تا حدودی آزادی عمل رسانه‌ها هم در شفافیت اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بود. نمره‌ی شفافیت در دولت اول روحانی با میانگین ۲۸ از دولت احمدی‌نژاد با ۲۴ در وضعیت بهتری قرار دارد. در ترکیه با توجه به عضویت این کشور در اتحادیه‌ی اروپا و تاحدودی سیاست‌گذاری در جهت حکمرانی خوب، سیاست‌های نهادی مبنی بر کوچک شدن دولت و قدرت‌مند شدن بخش خصوصی و نیز گسترش رسانه‌ها و مطبوعات هم به تقویت شفافیت کمک کرد. علاوه بر این، در ترکیه طرح افزایش شفافیت در بخش دولتی در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید. این طرح شامل مجازات انضباطی و کیفری علیه مقامات دولتی درگیر در فساد و اقدامات در جهت نوسازی سیستم حساب‌رسی بخش دولتی، بهبود شفافیت در ادارات دولتی و تامین مالی مبارزات انتخاباتی و تقویت مبارزه با پول‌شویی است که توانسته تا حدودی اداره‌ی امور عمومی ترکیه را به شفافیت سوق دهد. (Chene, 2012: 5) میانگین نمره‌ی شفافیت ترکیه از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ با ۴۳/۵ از ایران با نمره‌ی ۲۵/۵ در شرایط مطلوب‌تری قرار دارد. اگرچه این نمره در ترکیه قبل از سال ۲۰۱۴، ۴۴ است که در دوره‌ی بعد به نمره‌ی ۴۲ تنزل می‌کند (Transparency, 2016).

۴-۲. وابستگی به رانت و بالا بودن هزینه‌های دولت

دولت رانتهی که به استقلال دولت از جامعه منجر می‌شود و نیز به دلیل نظام مدیریتی

نامناسب و برای کسب مشروعیت به توزیع پول در جامعه اقدام می‌کنند. در این‌گونه دولت‌ها با توجه به فضای نهادی و حمایت نکردن از کارآفرینی شاخصه‌های اقتصادی رشد پیدا نمی‌کند (قنوانی، ۱۳۹۶: ۲۰۵). دولت ایران از دهه‌ی ۱۳۵۰ و با تکیه بر درآمدهای نفتی به اداره‌ی امور عمومی می‌پرداخت و این روند پس از پیروزی انقلاب شدت گرفت و یکی از دوره‌هایی که درآمد نفتی افزایش یافت و به میزان آن نیز رانتی بودن دولت و هزینه‌های آن به دلیل سیاست‌های توزیعی دولت افزایش پیدا کرد، دوره‌ی احمدی‌نژاد بود که بیش از ۴۳٪ از بودجه دولت بر درآمد نفتی و رانت متکی است، هرچند با شروع تحریم‌های نفتی این رقم کاهش می‌یابد، چنان‌که در دوره‌ی روحانی به ۲۵٪ و البته بعد از برجام و لغو برخی تحریم از جمله نفتی به ۳۵٪ می‌رسد، البته به موازات آن هم هزینه‌ها در دولت رانتی به دلیل درآمدهای بدون قاعده بالاست. میزان هزینه‌ها در دولت احمدی‌نژاد ۲۷٪ تولید ناخالص داخلی است و این عدد در دوره‌ی روحانی به ۲۴٪ می‌رسد. البته نظام اقتصادی ترکیه با اصلاحات ساختاری و فرآیندی در مسیر حکمرانی خوب و تنوع اقتصادی و به‌خصوص منابع درآمدی مانند گردشگری، سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه صادرات (گارینه و سهیلی، ۱۳۹۸: ۱۱۰)، دولت به بخش مردمی و غیردولتی وابسته است و به موازات آن هزینه‌های دولت هم پایین‌تر و تقریباً ۱۲٪ است، هرچند از سال ۲۰۱۴ و به‌ویژه پس از کودتا و تأثیرگذاری در فعالیت منابع اقتصادی ذکر شده و تمرکزگرایی دولت به ۱۸٪ تولید ناخالص داخلی می‌رسد (worldbank, 2016).

۳-۴. دولت الکترونیک

دولت الکترونیک به‌عنوان مقوله‌ای که هم در فرآیند و ماهیت دولت تأثیرگذار است؛ از آن جمله کاهش هزینه و صرفه‌جویی در بودجه‌ی دولت به‌واسطه‌ی تغییر ساختار و اصلاح فرآیندهای اداری و نیز فراهم نمودن مکانیسم کنترلی مناسب است (Ciborra, 2005: 261) و حاجی زرگر، (۱۳۹۷). ارائه‌ی مالیات الکترونیکی به‌عنوان یکی از محصولات دولت الکترونیکی می‌تواند در کنار افزایش درآمدهای مالیاتی، موجب افزایش شفافیت و کاهش فساد و در نهایت منجر به اعتماد عمومی بیش‌تر شود.

دولت پرهزینه و رانتی در فرآیندهای ساختاری و سازمانی در سطح خرد و کلان مدیریت توسعه دارای چالش است. یکی از مشکلات اساسی در نظام اداری ایران عدم وجود سامانه‌هایی است که در شفافیت و نیز تسریع فرآیندها تأثیرگذار باشد. هرچند در طول برنامه‌ی پنجم توسعه به این مقوله مبسوط پرداخته شد و در دوره‌ی روحانی اقداماتی انجام شد و نقشه‌ی راه دولت الکترونیک تدوین شد و یکی از عناصر اصلی در برنامه‌ی جامع اصلاح نظام اداری در این دولت موضوع دولت الکترونیک است و رئیس‌جمهور بارها در سخنرانی‌های خود برای دولت الکترونیک اهمیت فراوانی قایل است (جشنواره شهیدرجایی، ۱۳۹۷/۰۶/۱۷)؛ اما مشکل عمده وجود ارتباط و یا تجمیع این‌گونه سامانه‌ها است که بتواند آمار و اطلاعات دقیق و جامعی را ارائه دهد، در دولت روحانی رتبه‌ی دولت الکترونیک ایران از ۱۰۸ به ۱۰۵ صعود می‌کند. این در حالی است در ترکیه و به‌خصوص در سند راهبردی ۲۲ ساله، بر گسترش فناوری‌های جدید، افزایش کارایی سازمانی برای خدمت‌رسانی بیش‌تر تأکید دارد (Long term strategy of Turke, 2001). نگاه اقتصادی دولت اردوغان هم موجب گسترش دولت الکترونیک می‌شود و آمارها نیز مؤید این موضوع است. میانگین رتبه‌ی دولت الکترونیک برای ترکیه در دوره‌ی موردنظر ۷۳ و برای ایران ۱۰۵ است (publicadministration, 2016).

۴-۴. درآمد مالیاتی نسبت به GDP

از متغیرهای دیگر اقتصادی که از الگوی حکمرانی خوب تأثیر می‌پذیرد، نظام مالیاتی کارآمد است. تقویت ویژگی پاسخ‌گویی و اثربخشی و قانون‌گرایی دولت تمایل افراد را به پرداخت مالیات افزایش می‌دهد (Ajaz, and Ahmad, 2010: 413). با این‌که در اجرای ماده‌ی ۹۵ قانون برنامه‌ی سوم توسعه به‌منظور افزایش کارایی نظام مالیاتی و رفع موانع سازمانی موجود و همچنین تمرکز کلیه‌ی امور مربوط به اخذ مالیات در یک سازمان واحد، سازمان امور مالیاتی در سال ۱۳۸۱ به‌صورت یک مؤسسه‌ی دولتی زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی ایجاد شد و با این کار، ساختار مجزا و قانون‌مندی در بخش مالیاتی شکل گرفت و هم‌اکنون با ۴ معاونت و ۲۸ واحد سازمانی و تقریباً ۳۳ هزار نیروی انسانی، از جهت اداری و مدیریتی از دستگاه‌های اجرایی توانمند کشور است (سامانه‌ی ملی مدیریت ساختار دستگاه‌های اجرایی کشور). اما با توجه به ماهیت دولت رانته، ضعف در سامانه‌ها و فرآیندها و مشکلات ساختاری میزان درآمد مالیاتی در طول دولت‌های مختلف چندان مطلوب نیست، اگرچه میزان درآمد مالیاتی در دولت روحانی از ۶٪ تولید ناخالص داخلی به ۸٪ می‌رسد (Economywatch, 2016). اما در ترکیه از دهه‌ی ۸۰ میلادی اصلاحات اساسی در تمام حوزه‌ها به‌ویژه در سیاست‌های مالی و مالیاتی آغاز شده و در دوره‌ی حزب عدالت و توسعه هم این سیاست‌ها با تمرکز در کاهش کسری بودجه‌ی دولت و گسترش درآمدهای مالیاتی پی‌گیری شد (Onis & Bakir, 2007: 61). از این‌رو، میانگین درآمد مالیاتی ترکیه نسبت به GDP ۲۴٪ در برابر ۶٪ ایران است. اگرچه بعد از کودتای سال ۲۰۱۶، میزان سالیانه‌ی درآمد مالیاتی از ۲۵٪ به ۲۳٪ تنزل می‌یابد (Onis & Bakir, 2007: 61).

۴-۵. فضای کسب‌وکار

فضای کسب و کار یک محیط نهادی است که قواعد بازی را مشخص و تمامی کسب‌وکارهای اقتصادی در آن شکل می‌گیرد، ادامه‌ی حیات می‌یابند و یا در آن ورشکسته شده و از آن اخراج می‌شود (Olival, 2012: 13). دولت رانته و پرهزینه و ضعیف از جنبه‌ی ساختاری، نهادی و فرآیندی نمی‌تواند در ابعاد حمایتی و نظارتی برای ایجاد فضای مناسب کسب‌وکار که مبنای توسعه‌ی اقتصادی است، عملکرد مناسبی داشته باشد. هرچند در دولت یازدهم، رئیس‌جمهور به‌دنبال اجرای قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار است و حتی مرکزی با عنوان پایش محیط کسب‌وکار در وزارت امور اقتصادی پیش‌بینی می‌شود و رتبه‌ی ایران هم از ۱۵۲ به ۱۲۰ و ۱۱۸ صعود می‌کند؛ اما ترکیه در دوره‌ی حزب عدالت و توسعه با تحکیم اصلاحات نهادی و فرآیندهای تسریع‌کننده وضعیت مناسبی را طی می‌کند. از این‌رو، این حزب اصلاحات ریشه‌ای و عمیقی در میدان‌های سیاسی و اقتصادی از جمله در حوزه‌های گمرکی، مالی و مالیاتی آغاز می‌کند به‌طوری‌که اقتصاد ترکیه تا سال ۲۰۱۲ به‌طور متوسط ۱۳٪ رشد داشته است و بازار بورس استانبول در میان ۳۰ بورس برتر جهان قرار گرفت (موثقی، ۱۳۹۷: ۷۸۰). در شاخص محیط کسب کار نیز میانگین رتبه‌ی ترکیه طی ۱۲ سال اخیر ۶۰ و ایران ۱۳۴ بوده است. هرچند پس از سال ۲۰۱۴ و کودتا این رتبه به ۶۹ تنزل پیدا می‌کند (Worldbank, doingbussinesreport).

۴-۶. سرمایه‌گذاری خارجی

حکمرانی خوب به‌عنوان یک پیش‌شرط اساسی برای عملکرد مناسب بازارها و شرایط جذاب سرمایه‌گذاری و تخصیص پایدار سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند از طریق اثرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها و ساختارهای اقتصادی و سیاسی نقش قابل توجهی بر سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشد. جذب سرمایه‌گذاری خارجی تا حدود زیادی به تعامل و تشنج‌زدایی وابسته است. پس از انقلاب با توجه به تحریم‌های بین‌المللی و ارتباط نه‌چندان مناسب با جهان غرب، جمهوری اسلامی ایران در این زمینه بسیار موفق نبوده است (دلفروز، ۱۳۹۳: ۲۲۸). البته پس از برجام و رفع برخی محدودیت‌ها تا حدودی زمینه برای سرمایه‌گذاری خارجی تسهیل می‌شود و میزان آن از ۲/۵ میلیارد دوره‌ی احمدی‌نژاد به ۵ میلیارد می‌رسد (آنکتاد). در ترکیه دوره‌ی صدارت حزب عدالت و توسعه هم‌گرایی با قدرت‌های بزرگ دنیا و نیز روابط مستحکم با سازمان‌های اقتصادی-مالی، سیاسی و نظامی و همچنین تصویب قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی که بر اساس آن خارجی‌ان می‌توانند در ترکیه اقدام به سرمایه‌گذاری کنند، در فعالیت‌های تجاری اشتغال داشته باشند، در بنگاه‌های اقتصادی مشارکت نمایند، سهام خریداری کنند و نسبت به افتتاح دفتر یا شعب اقدام نمایند، میزان سرمایه‌گذاری خارجی افزایش یافت و به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه‌ی اقتصادی قلم‌داد شد (مصلی نژاد و اکبری، ۱۳۹۱: ۷۰). از این جهت، میانگین میزان سرمایه‌گذاری خارجی ترکیه در دوره‌ی ۲۰۱۷-۲۰۱۴، تقریباً ۱۶ میلیارد و برای ایران ۳/۵ میلیارد است. البته در ترکیه بعد از سال ۲۰۱۴ میزان سرمایه‌گذاری به ۱۱/۵ کاهش می‌یابد (آنکتاد).

۴-۷. تولید ناخالص داخلی

با توجه به وضعیت اجتماعی و بستر نهادی برآیندهای اصلی اقتصادی هم مؤید موفقیت بیشتر ترکیه در این دوره‌ی زمانی است. تولید ناخالص به‌عنوان یکی از متغیرهای اصلی اقتصادی که در این شاخص نیز ترکیه جلوتر و از نوسانات نظام حکمرانی تأثیر پذیرفته است. چنان‌که در ترکیه رشد تولید ناخالص داخلی و ثبات قیمت‌ها هدف بنیادین دولت در این دوره است (Sach, 2013: 74). در دوره‌ی احمدی‌نژاد میانگین رشد تولید ناخالص داخلی ۱/۲۵ که در دوره‌ی روحانی به ۵/۷۷ می‌رسد؛ اما در مجموع دوره میانگین رشد تولید ناخالص داخلی ترکیه ۰/۷ و در ایران ۰/۳ درصد است. البته در دوره‌ی ریاست جمهوری اردوگان و از سال ۲۰۱۴ این عدد به ۵ می‌رسد (Imf, 2019).

۴-۸. تورم

یکی از متغیرهای اصلی و کلان در اقتصاد که به‌نوعی نشان‌دهنده‌ی ثبات اقتصادی است، میزان نرخ تورم است که علاوه بر سازوکارهای اقتصادی، از بستر نهادی هم تأثیر می‌پذیرد. ناکارآمدی دولت در کنترل سیستم مالیاتی، تنظیم ترکیب مخارج خود و نیز کنترل فساد به‌طور مستقیم از کانال افزایش مخارج دولتی و افزایش مالیات توری بر نرخ تورم اثرگذار است (حیدری، ۱۳۹۴، ۱۸۰). با توجه به تأثیرپذیری اقتصاد ایران از درآمدهای نفتی و به موازات آن رشد نقدینگی نرخ تورم در دوره‌های مختلف در ایران بالا بوده و در بیشتر مواقع نرخ دورقمی را تجربه کرده است، این دو پدیده در دولت احمدی‌نژاد با توجه به افزایش درآمدهای نفتی و عدم ثبات در سیاست‌ها رشد افسارگسیخته‌ای را پیدا کردند، به‌گونه‌ای که در پایان دولت در سال ۱۳۹۲ نرخ تورم به ۳۵٪ شد؛ اما با روی کار آمدن دولت یازدهم و

توجه به رشد نقدینگی در کشور و از طرفی کاهش درآمدهای نفتی نرخ تورم به ۱۱٪ و حتی به ۹٪ رسید (سالنامه مرکز آمار). یکی از مشکلات اقتصادی ترکیه در طول سالیان متمادی نرخ تورم بالاست و به خصوص در دوره‌های بی‌ثباتی نرخ تورم ۱۰۰٪ و حتی ۱۱۰ درصدی را هم تجربه می‌کرد، سیاست‌های ساختاری و رویکرد موازنه‌گرایی سیاسی حزب عدالت و توسعه و تلاش برای پیوستن به اتحادیه‌ی اروپا و نیز اقدام برای کاهش کسری بودجه میزان تورم در ترکیه را تا ۷٪ پایین آورد. میانگین نرخ تورم در دوره‌ی ۲۰۰۶-۲۰۱۷ برای ترکیه ۸/۳۵٪ و برای ایران ۱۹٪ است، اگرچه نرخ تورم در ترکیه در سال ۲۰۱۷ تا ۱۷٪ هم رشد کرد (Imf, 2019).

۴-۹. نرخ بیکاری

کارآمدی دولت در انجام وظایف و فراهم نمودن کالاها و خدمات عمومی موجب بهبود بهره‌وری عوامل تولید و در نهایت رشد اشتغال می‌شود. عدم اجرای دقیق و تدوین نامناسب مقررات فعالان اقتصادی دچار نوعی سردرگمی و در محیطی نامناسب از فضای کسب‌وکار قرار می‌گیرند که می‌تواند کارفرمایان و شاغلان را با مشکلاتی بیش از پیش مواجه سازد (Brunetti, 1998: 4). حذف رانتهای اطلاعاتی، انتقال دارایی‌های نقد به سمت فعالیت‌های تولیدی، ایجاد بازار مدیران حرفه‌ای، کاهش ریسک فعالیت‌های تولیدی و تسهیل ورود سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند محیطی به‌دور از هرگونه تهدیدی را برای فعالان اقتصادی در سطح خرد و هم اقتصاد ملی فراهم نموده و اشتغال را تحت تأثیر قرار دهد. دولت ایران با مبنایی رانتهی و بخش غیردولتی ضعیف و نظامی اداری که نمی‌تواند فرآیندها را برای رشد تولید تسریع کند، از نظر ایجاد اشتغال موفق نیست. هرچند در دوره‌ی احمدی‌نژاد شروع به دادن وام به طرح‌های زودبازده و بنگاه‌های کوچک داده شد، اما نتوانست به دلایل نهادی و مبنایی در کاهش نرخ بیکاری موفق شود و در دوره‌ی روحانی هم این روند هرچند به‌سرعت کمتر ولی ادامه پیدا کرد که میزان بیکاری از ۱۱/۷۲٪ به ۱۱/۵۲٪ کاهش یافت (سالنامه مرکز آمار). این در حالی است که ترکیه با توجه به تنوع اقتصادی و زمینه‌های مساعد سیاسی نرخ بیکاری ۸٪ است، اگرچه در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ نرخ بیکاری به ۱۰٪ و ۱۱٪ افزایش پیدا می‌کند (DataFromEuro State).

با توجه به وضعیت این شاخص‌ها، الگوی حکمرانی خوب در توسعه‌ی اقتصادی دو کشور ایران و ترکیه در دوره‌ی مورد نظر تأثیرگذار بوده است. وضعیت شاخصه‌های حکمرانی خوب در ترکیه با توجه به بعد راهبردی و جهت‌دهنده‌ی آن موجب ارتقای شاخصه‌های اقتصادی این کشور در برابر ایران شده است. البته در مقاطعی که شاخص‌های حکمرانی نوسان داشته است، تأثیر آن در شاخص‌های اقتصادی قابل مشاهده است. چنان‌که در دوره‌ی روحانی با صعود شاخص حکمرانی شاخصه‌های اقتصادی هم ارتقا پیدا می‌کند و این موضوع برعکس برای ترکیه پس از سال ۲۰۱۴ صادق است.

نتیجه‌گیری

با تحولات فکری و فنی عصر جدید توسعه هم در بستر اجتماعی اتفاق می‌افتد؛ از این جهت، پس از پشت سر گذاشتن بحران‌های مختلف اجتماعی و دوره‌های گوناگون نظریه‌پردازی، الگوی حکمرانی خوب مطرح می‌شود. حکمرانی خوب به‌عنوان یک پارادایم جدید فکری و عملیاتی نقش مهمی در الگوی اداره‌ی کشور توسط دولت ایفا می‌کند و به تنظیم روابط دولت با بخش خصوصی و جامعه‌ی مدنی در راستای کاهش تصدی‌گری آن

و افزایش سطح رفاه عمومی و توسعه‌ی اقتصادی می‌پردازد. چنان‌که نوسانات شاخصه‌های حکمرانی خوب در دوره‌ی ۱۲ ساله (۲۰۰۶-۲۰۱۷) بر روند اقتصادی ترکیه و ایران تأثیرگذار بوده است.

بنابراین در جهت تقویت نظام حکمرانی و راهبری آن به‌سوی توسعه‌ی اقتصادی پیشنهادها در سه سطح مطرح است:

سطح اول: نوعی حکمرانی همکاری محورانه با تکیه بر اسناد بالادستی جمهوری اسلامی بین تمام سطوح اجتماعی، به‌گونه‌ای که ارتباط و گفتگو متقابل به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بین دولت-دولت، دولت-مردم، مردم-مردم، دولت-نظام بین‌الملل و مردم-نظام بین‌الملل شکل گیرد.

سطح دوم: برای عملیاتی شدن سطح اول، باید این راهبردها به‌عنوان اولویت مدنظر قرار گیرد: مشارکت شهروندان از طریق گسترش رسانه‌ها و انجمن‌ها، احزاب، اتحادیه‌ها، فضای مجازی، ثبات در طراحی سیاست‌ها و تنش‌زدایی در عرصه‌ی بین‌الملل از طریق سیاست خارجی توسعه‌گرایانه، تمرکززدایی وظایف و اختیارات و واگذاری آن به بخش خصوصی و مدیریت‌های محلی.

سطح سوم: با توجه به پیش‌زمینه‌های اجتماعی و سیاسی در دو سطح قبلی اصلاحات ساختاری برای توسعه‌ی اقتصادی بدین شرح در اولویت قرار گیرد؛ در روند مدیریتی اصلاح نظام اداری به‌عنوان پایه تلقی شود. در این بین، بازطراحی ساختار کلان اقتصادی کشور به‌گونه‌ای که وزارت اقتصاد از نقش خزانه‌داری و تقسیم پول خارج و به نقش جهت‌دهنده برای امور گوناگون اقتصادی تبدیل شود. سازمان برنامه هم در برنامه‌ریزی و راهبری اقتصاد کشور استفاده از نخبگان و تمامی افراد ذی‌نفع را در دستور کار قرار بدهد و از امور جاری خارج شود. در حوزه‌ی مالیات به‌عنوان یکی از بخش‌های کلیدی، اجرای طرح جامع مالیاتی و الکترونیکی شدن فرآیندهای مالیاتی برای جلوگیری از فرار مالیاتی مبنای قرار بگیرد. سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی با تسریع و کاهش فرآیندها و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف و ارتباطات مناسب بین‌الملل گسترش یابد. استقرار و تجمیع سامانه‌های هوشمند در حوزه‌ی گمرکی برای مبارزه با قاچاق کالا که موجب افزایش و تحکیم تولید داخلی می‌شود. نظام بانکی در جهت افزایش تولید و فعالیت اقتصادی سازمان‌دهی شود. خصوصی‌سازی با ایجاد بسترهای لازم در فضای رقابتی و شفاف به‌گونه‌ای که دولت بخش عمده‌ای از امور تصدی و عملیاتی را به کسانی که از اهلیت لازم برخوردارند واگذار کند و تنها به امور راهبردی و تسهیل‌گری بپردازد. پیش‌زمینه‌ی این موارد این است که نظام قانون‌گذاری کشور از تعدد و تنوع خلق قانون و مقررره پرهیزد و قوانین در جهت تسهیل و گشایش امور تصویب شود و آن‌گاه مبنای تمام فعالیت‌ها قرار گیرد. بدیهی است ضمن تکیه بر ابزارها و محور قرار گرفتن قانون زمینه‌ی فساد هم برچیده می‌شود.

الف) منابع فارسی

- استوار، مجید. (۱۳۹۷). نهادهای فراگیر و توسعه در نظام جمهوری اسلامی ایران؛ فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۲ (۴۵)، زمستان.
- انتخابی، نادر. (۱۳۹۲). دین، دولت و تجدد در ترکیه، تهران: انتشارات هرمس.
- پوریان، محمدتقی. (۱۳۹۲). علل ثبات و بی‌ثباتی سیاسی در ایران بعد از جنگ (۱۳۹۲-۱۳۶۸)، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۲). سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و ضرورت آن در ایران (نقد و بررسی سند کپنهاک)، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۳ (۱۰)، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- جلالیان، عسگر. (۱۳۹۶). کارآمدی مجلس شورای اسلامی و راهکارهای ارتقای آن در حقوق داخلی، فصلنامه راهبرد، ۲۶ (۸۲)، بهار.
- حاتمی، عباس. (۱۳۸۹). الگوی آونگی: چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳ (۲)، تابستان.
- حیدری، نصرالله. (۱۳۹۵). نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در مشارکت سیاسی در دوره‌های ریاست جمهوری خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، شماره ۳۶، پاییز.
- خلج منفرد، ابوالحسن. (۱۳۹۵). اقتدارگرایی اردوغان و حزب عدالت و توسعه و پیامدهای آن در ترکیه، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، ۷ (۴)، زمستان.
- رضایی، علیرضا. (۱۳۹۲). سیاست خارجی دولت روحانی تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌الملل، شماره ۱۵، تابستان.
- زاهدی، نساء. (۱۳۹۷). اقتصاد سیاسی ترکیه، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۲، بهار و تابستان (۱-۲۲۰).
- شورجی، حافظ. (۱۳۹۵). رویکرد توسعه‌ای دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶-۱۳۹۲)، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیرخانی، محمدعلی. (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی؛ بررسی مقایسه‌ای ایران و کره جنوبی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۱ (۲)، تابستان.
- عجم اوغلو، دارون؛ رابینسون، جیمز. (۱۳۹۲). چرا کشورها شکست می‌خورند؟ سرچشمه‌های قدرت، فقر و غنای کشورها، ترجمه پویا جبل عاملی و محمدرضا فرهادی، تهران: دنیای اقتصاد.
- قلی‌پور، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). نقش دولت در حکمرانی خوب، پایان‌نامه دکتری دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی.
- قهرمان‌پور، رحمان. (۱۳۸۸). آسیا و یژه مسائل ترکیه؛ اصلاحات اقتصادی در ترکیه و چالش‌های پیشرو، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.
- کفیلی، وحید. (۱۳۹۶). تأثیر حکمرانی خوب بر رابطه‌ی بین توسعه‌ی مالی و رشد اقتصادی، مجله اقتصادی، سال هفتم و هشتم، مهر و آبان و آذر.
- گارینه، کشیشیان؛ سهیلی، سهیل. (۱۳۹۵). آثار سیاست دولت بر توسعه اقتصادی ترکیه و ادغام آن در اقتصاد جهانی (۲۰۱۷-۱۹۹۰)، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست جهانی، ۸ (۱)، بهار.
- محمدزاده، یوسف؛ حکمتی فرید، صمد؛ شریفی، المیرا. (۱۳۹۶). تأثیر اندازهی دولت بر حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی.
- محمودی، امیر. (۱۳۹۶). حکمرانی مطلوب؛ سازوکار ایجاد توانمندی در تحقق توسعه، فصلنامه سیاست

جهانی، شماره ۴، زمستان.
مسعودنیا، حسین؛ عالیشاهی، عبدالرضا. (۱۳۹۷). کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه بر اساس نظریه شکاف‌های اجتماعی، فصلنامه دولت پژوهی، ۴ (۶۱)، زمستان.
مقدس، اعظم. (۱۳۹۴). تحلیل تطبیقی تثبیت دموکراسی، مطالعه‌ی موردی ایران و ترکیه ۲۰۰۹-۱۹۸۰، پایان‌نامه دکتری گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
موثقی، احمد. (۱۳۹۷). زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی موج دوم توسعه نئولیبرال ترکیه، فصلنامه سیاست، ۴۸ (۳)، پاییز.
میرترابی، سعید. (۱۳۸۹). مسائل توسعه جهان اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
نظری، علی اشرف. (۱۳۹۵). حکمرانی حزب عدالت و توسعه و آینده‌ی شکاف‌های اجتماعی در ترکیه، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۹ (۷۳)، پاییز.
هوشمند، داریوش. (۱۳۹۸). رابطه‌ی توسعه و کیفیت حکمرانی از منظر اقتصاد سیاسی (مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران)، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی.

ب) منابع انگلیسی

- Adham, Khaled. (2005). *Globalization, Neoliberalism and New Space of Capital In Turkey*, United Arab Emirates University.
- Agheli Kohnehshahri, L. (2005). Estimation of FDI Function for Selected Islamic Countries, *Tahghighat-e- Eghtesadi*, 17.
- Ajaz, T. ; Ahmad, E. (2010). The effect of corruption and governance on tax revenues, *The Pakistan Development Review*, (405-417).
- Akhtar, Rahimi. (2018). Governance, Corruption and Economic Growth: A Panel Data Analysis of Selected SAARC Countries, *Pakistan Economic and Social Review*.
- Akintunde, Johnson. (2017). Good Governance and Development in Nigeria: The Gap between Rhetoric and Reality, *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*.
- Aktan, Coskun. (2008). Good Governance: A New Public Managerialism, *Review of International Law and Politics*, 4 (14), PP. 165-187.
- Arndt, Christiane; Oman, Charles. (2008). *The Politics of Governance Ratings*, Maastricht University Maastricht Graduate School of Governance.
- Baland, Marie. (2010). Governance and Development, *Center for Research in the Economics of Development*, University of Namur.
- Borzil, Tanga. (2008). *Good Governance in the European Union*, Berlin.
- Brunetti, M. Kisunko, G. ; Weder, B. (1998). Economic Growth with Incredible Rules Evidence from a World Wide Private Sector Survey, *The World Bank Economic Review*.
- Chimezie, Charles. (2016). *The Role of Good Governance and Development Administration in national Development*, Department Of General Studies Ukana Akwa-Ibom State, Nigeria.
- Ciborra, C. (2005). Interpreting E-Government & Development Efficiency, Transparency or Governance, *Information technology*, No. 18.
- DC, Ukwandu. (2016). Exploring the relationship between good governance and development in Sub-Saharan Africa, *African Journal of Public Affairs*.
- Dang , L. ; Sui, Pheng. (2015). Theories of Economic Development, *Business Media Singapore*.

- Davutglue, Ahmet. (2009). Principales Of Turkish Foreign Policy Address at: Seta Foundation, Washington D. C. Branch, available on: www.Setav.com
- D. Kufman. (2009). Toward Transparency: New Approaches and Their Application to Financial Markets, *World Bank Resarch Observer*.
- Fukuyama, Francis. (2011). *Origins of Political Order: from Prehuman Times to the French Revolution*, New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Guga, Ayuba. (2015). Good Governance, A key Drive to Sustainable Development in Nigeria, *International Journal of Education and Resarch*.
- Gul, A. (2004). At the Symposium Turkey and the EU - Looking Beyond Prejudic, *Maastricht*, April 4-5, available on: <http://www.abdullahgul.gen.tr/EN/Main.asp>.
- Hammache, Ahmad. (2017). *Relationbetween good governance and economic growth*, University of Paris.
- Haper, Metin. (2013). Islam, Conservatism, and Democracy in Turkey: Comparing Turgut Ozal and Recep Tayyip Erdogan, *Insight Tukey*.
- Hiro, D. (2013). *Turkey Economic Miracle Under Fire*, available on: <http://yaleglobal.yale.edu/content/turkes-economic-miracle-under-fire>.
- Liu, Jiadange. (2018). *The Effect of Governance Quality on Economic Growth*, Shanghai State University.
- Mecham, Quinn, R. (2004). From the Ashes of Virtue, a Promise of Light: The Transformation of Political Islam in Turkey, *ThirdWorld Quarterly*, 25 (2), 351.
- Meier, Gerald. (1970). *Leading Issue in Economic Development*, OXFORD University Press.
- Michael, Bryane. (2015). The Role of anti-Corruption in The Turkish Accession The EU, *Turkish Policy Quarterly*.
- Okuyucu-Ergü n, Gune. (2007). Anti-Corruption Legislation in Turkish Law, *German Law Journal*, 8 (9).
- Peters, Ralph. (2013). In Turkey, *Democracy VS Libeerity*, available on: <http://www.realclearword.com/2013/06/20in-turkey-democracy-vs-liberty-149154.html>.
- Stevic, Steven. (2016). Good Governance as a Tool of Sustainable Development, *Europe Journal of Sustainable Developmen*.
- Taspinar, Omer. (2014). The End of the Turkish Model, *Survival: Global Politics and Strategy*, Volume 56.
- UNDESA, UNDP, UNESCO. (2012). *Governance and development*, (The views expressed in this paper are those of the signing agencies and do not necessarily reflect the views of the United Nations).
- United Nation Development Program. (2014). *Governance for Sustainable development integrating governance in the post 2015 Development framework*, United Nation Publican.